

علل، انگیزه‌ها و پیامدهای ورود به عرفان حلقه

پژوهشی میدانی درباره عرفان حلقه

محمد مسعود سعیدی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۸

چکیده

رشد گروه‌های معنویت‌گرا در جامعه، می‌تواند حاکی از سمت و سوی جدیدی در تحول فرهنگ عمومی باشد، پس مطالعه علمی و بی‌طرفانه این گروه‌ها، نقش مهمی در شناخت نیازهای انسان امروزی و انتظارات او از دین و به طور کلی، شناخت فرهنگ زمانه خواهد داشت. یکی از این گروه‌ها که با وجود منع قانونی، کم و بیش به گسترش خود ادامه می‌دهد، عرفان حلقه است. پرسش اصلی این است که چه شرایط و عواملی باعث ورود افراد به کلاس‌های این گروه شده، چه فرایندهایی اتفاق می‌افتد و چه پیامدهایی برای شرکت‌کنندگان فراهم می‌شود. برای پاسخ به این پرسش‌ها، از پژوهش کیفی به روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده است. متن پیاده‌شده مصاحبه‌ها و مشاهدات مشارکتی در میدان، کدگذاری، مقوله‌بندی و تحلیل شده و نظریه

زمینه‌ای حاصل از کاربرد روش یادشده، مشروحاً توضیح داده شده است. شرایط خاصی که در فرد و محیط اطرافش وجود دارد، بستر مناسبی را برای ورود او به کلاس‌های عرفان حلقه و باقی ماندن در گروه، با انگیزه رسیدن به آرامش فراهم می‌کند. فرد در گروه، به کمک برخی از روش‌های خاص و آموزش‌های جذاب، یک فرایند جابجایی از حال بد به حال خوب را تجربه می‌کند، این فرایند خودآگاه، برای همه اعضا اتفاق نمی‌افتد و در موارد اتفاق افتاده نیز نسبی، و قدر مسلم آن، تا زمانی است که فرد ارتباطات صمیمی گروه را ترک نکرده است. همراه با پیامدهایی که خودآگاهانه، خوب تلقی می‌شود، پیامدهای ناخودآگاهی نیز محصول روش عرفان حلقه است که در فرهنگ جوامع انسانی آن را فریب‌خوردگی می‌شمارند.

واژه‌های کلیدی: معنویت‌گرایی نوین، عرفان حلقه، نظریه زمینه‌ای،

فرایند جابجایی، فرادرمانی

بیان مسئله

یکی از تغییرات اجتماعی - فرهنگی در جامعه امروز ما، روند رو به رشد ورود افراد به گروه‌های نوپدید معنوی است. قابل انکار نیست که به‌ویژه از دهه ۸۰ شمسی، شهرهای بزرگ در کشور ما، شاهد رشد محسوس گروه‌ها، جمع‌ها و کلاس‌هایی بوده‌اند که با عناوین مختلفی مثل موفقیت، ارتباط موفق، خودشناسی، انرژی‌درمانی، یوگا، ذن، مدیتیشن، مثنوی‌خوانی، عرفان شرقی و نظایر این‌ها تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها که معمولاً ورزشی یا روانشناسانه یا درمانی (طبابت)، گاهی صریحاً عرفانی و یا صرفاً علمی و ادبی جلوه می‌کنند، اجمالاً و کم یا بیش در این ادعا اشتراک دارند که می‌خواهند، در ضمن نوعی تجربه معنوی و روحانی، یا درمانی، افراد را به سلامتی، موفقیت، آرامش، شادی، و یا به طور خلاصه، به احساس خوشبختی در زندگی پرتنش امروزی برسانند. در این پژوهش، چون به دنبال تعریف دقیق و شناخت گروه‌های

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۱۹۳

نوپدید معنوی در ایران نیستیم و هدف اصلی فقط بررسی گروه عرفان حلقه می‌باشد، فعلاً ادعای مشترکی را که در بالا بیان شد، ملاک گروه‌های نوپدید معنوی تلقی می‌کنیم. مسلماً شناخت گروه‌های نوپدید معنوی و شناخت علل مشارکت مردم در این گروه‌ها، کمک بزرگی است به شناخت فرهنگ تحول موجود در جامعه و پی‌گیری سمت و سوی تحول آن. بسیار اتفاق می‌افتد که تغییرات بزرگ فرهنگی از همین حرکات کوچک رو به رشد آغاز می‌شود. شناخت این گروه‌ها، نیازهای جدید معنوی و انتظارات جدید مردم از دین را باز می‌نمایاند. مهندسی فرهنگی به معنای درست آن، نخست مبتنی بر شناخت وضعیت واقعی و بیرونی فرهنگ موجود است.

یکی از این گروه‌های معنویت‌گرا در ایران، گروه عرفان حلقه است که توسط محمدعلی طاهری حدوداً ۲۰ سال پیش تأسیس شد. کتاب‌های مؤسس عرفان حلقه، و گزارش برخی از مریبان گروه که محقق در آغاز کار، موفق به ارتباط با آنان شد، به وضوح حاکی از معنویت‌گرایی نوین- به همان معنایی که اشاره شد- در گروه عرفان حلقه است. در دهه گذشته، اعضای معتقد به عرفان حلقه به‌ویژه، در تهران فعالیت بیشتری داشته‌اند و خبرهای غیررسمی از منابع آگاه، عملکرد مؤسسات فرهنگی درگیر در تهران و قم، رخدادهای گزارش شده مرتبط با طاهری، سایت‌های اینترنتی فراوانی که له و علیه طاهری و عرفان حلقه گزارش و مطلب دارند و بالاخره، ارتباط با خود اعضای این عرفان، نشان می‌دهد که این عده در حال بسط کلاس‌های خود و عضوگیری در شهرهای دیگر نیز می‌باشند. اکنون دسترسی رسمی به اعضای گروه به علت مسائل امنیتی تقریباً غیرممکن است. البته محقق با پیگیری‌هایی توانست به طور غیررسمی با برخی از افرادی که جذب عرفان حلقه شده‌اند، تماس بگیرد. بر این اساس، پژوهشی سامان داده شد که هدف اصلی آن عبارت است از: جستجو در داده‌های حاصل از مصاحبه با اعضای عرفان حلقه، و مشاهده کلاس‌های آن برای پرداختن نظریه‌ای که بتواند ورود افراد به کلاس‌های عرفان حلقه را تبیین کند، و

پدیده‌هایی که در این ماجرا رخ می‌دهند، و پیامدهایی که حاصل می‌شوند، را توصیف نماید. بنابراین، هدف این مطالعه یک نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یا زمینه‌ای درباره عرفان حلقه است.

با توجه به هدف بالا، پرسش‌هایی که این مطالعه به دنبال پاسخگویی به آن‌ها است، عبارت‌اند از:

۱. انگیزه و علل ورود افراد به کلاس‌ها و گروه عرفان حلقه چیست و پدیده‌های مرتبط با این واقعیت کدام‌اند؟

۲. ورود به عرفان حلقه، چه پیامدهایی را برای اعضای خود دنبال دارد؟

مباحث مفهومی و نظری

ظهور و رشد گروه‌های معنوی که داعیه رساندن آدمیان به سلامتی، موفقیت، احساس امنیت، آرامش، شادی، رضایت از زندگی، و به طور خلاصه، داعیه بوجود آوردن احساس خوشبختی را دارند، در جامعه‌ای که روابط پرتنش و فشارهای روحی در آن تشدید شده، و نهادهای سنتی نیز در پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان‌ها موفق عمل نکرده‌اند، امری عادی و مورد انتظار است. نویسنده احتمال می‌دهد که واقعیت رشد گروه‌های معنویت‌گرا در جامعه ما بی‌ارتباط با رشد معنویت‌گرایی‌های نوظهور خصوصاً در جهان غرب نباشد؛ یا به شکل اشاعه آن معنویت‌گرایی‌ها به جامعه ما، و یا متأثر از عواملی مشابه همان عوامل مؤثر در معنویت‌گرایی‌های نوپدید غربی. احتمالاً انسان مدرن در جوامع پیشرفته امروزی، خسته و سرخورده از مشکلاتی که زندگی پرتنش، رقابتی و سریع نظام جهانی سرمایه‌داری (به معنایی که والرستین بیان کرده است) برای او بوجود آورده است، خوشبختی خود را در بازگشتی دوباره به دین و معنویت می‌جوید. اما این بار به دین سنتی خویش برنمی‌گردد، بلکه به دینی می‌گردد که با مقتضیات مدرنیته و زندگی جدید سازگارتر به نظر رسد. بدین ترتیب، دین یا به تعبیر

دقیق‌تر، دینداری نیز متأثر از مدرنیته، متحول می‌شود.

معمولاً این تحول در دینداری را جنبش‌های نوپدید دینی^۱ یا جنبش‌های نوظهور معنوی^۲ می‌نامند. ادیان نوپدید یا معنویت‌گرایی‌های جدید را می‌توان جنبش‌هایی دانست که اولاً به گونه‌ای با دین، یا با تحولات روحی- روانی انسان‌ها در ارتباط‌اند، ثانیاً هم به لحاظ زمانی، و هم به لحاظ محتوایی نوین محسوب می‌شوند. به لحاظ زمانی، مقصود از جنبش‌های نوین دینی، حرکت‌هایی فکری هستند که بعد از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه، از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به این طرف بوجود آمده، و به لحاظ محتوا، با برخی خصوصیات مدرن مثل تکثرگرایی، فردگرایی، و نسبی‌گرایی سازگارترند (Guest, 2007: 181-182; Lynch, 2007: 17-18). این جنبش‌ها با تمرکز بر روی معنویت‌های ظاهراً مشترک بین ادیان سنتی و با التقاط و گزینش از ویژگی‌های آن‌ها (خصوصاً ادیان شرق دور)، معمولاً چنان خود را برای تسکین دادن به انسان سرخورده امروزی و تشویق او به زندگی آماده کرده‌اند که برخی از محققان، خود نظام جهانی سرمایه‌داری را عامل مهمی برای رشد اکثر این معنویت‌گرایی‌های جدید می‌دانند (Carrette & King, 2005: 44-53).

به علت سابقه بیشتر جنبش‌های معنویت‌گرای نوین در غرب، در این بخش از جهان تحقیقات بیشتری در این مورد انجام شده است. کتاب‌هایی مثل کتاب جهان‌شناسی دین از همیلتون، جامعه‌شناسی معنویت^۳ ویراسته فلاناگان و جاپ، کتاب معنویت جدید: مقدمه‌ای بر باور پیشرو در قرن بیست و یکم^۴ از گوردن لینچ، کتاب فروش معنویت: به‌نرمی تصاحب کردن دین^۵ نوشته جرمی گرت و ریچارد کینگ، حاوی نمونه‌های برجسته‌ای از تحقیق درباره جنبش‌های نوین معنوی هستند. همان‌طور

-
1. new religious movements (NRMs)
 2. new spiritual movements (NSMs)
 3. A Sociology of Spirituality
 4. The New Spirituality: An Introduction to Progressive Belief in the Twenty-first Century
 5. Selling Spirituality: The Silent Takeover of Religion

که پیش‌تر اشاره شد، اغلب اندیشمندان برای تبیین و بررسی علی‌ و ورود افراد به جنبش‌های نوپدید دینی، بیشتر به دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع صنعتی نوین در غرب، بلکه به تأثیرات جهانی نظام بین‌المللی سرمایه‌داری توجه و اکتفا می‌کنند (همیلتون ۱۳۷۷: ۳۶۰-۳۷۳). این تحقیقات معمولاً مبنای تجربی و مشاهداتی دقیق و جزئی ندارند و مثلاً توضیح نمی‌دهند که چرا همه مردم یا همه جوانان جوامع مدرن که تحت تأثیر عوامل یکسان اجتماعی بوده‌اند، وارد این گروه‌ها نشده‌اند. همچنین، این نظرات کلی‌نگر معمولاً به وجود تنوع و گوناگونی در این جنبش، و ظهور گروه‌های مختلف، با آموزه‌ها و اهداف متفاوت، توجه کافی نمی‌کنند. برای روشن‌تر شدن این گونه جزئیات، به پژوهش‌هایی با گستره زمانی و مکانی محدودتر، و موضوع خاص‌تر نیاز است.

البته، مطالعات و پژوهش‌هایی که بیشتر جنبه میدانی، و کمی داشته، و گستره زمانی و مکانی محدودتر، و موضوعات خاص‌تری از معنویت‌گرایی‌های نوین را بررسی کنند، هم در جوامع غربی، و هم در ایران انجام شده‌اند. در ایران، در مورد جنبش‌های معنویت‌گرا، بیشتر پژوهش‌ها نظری و کتابخانه‌ای هستند، و کمتر پژوهش تجربی و میدانی در این موضوع صورت گرفته است. در خصوص گروه عرفان حلقه در ایران، مقالات نظری و جمع‌آوری‌های کتابخانه‌ای وجود دارد، و غالباً در مجلات غیر علمی-پژوهشی، یا سایت‌های اینترنتی منتشر شده است. بخشی از این نوشته‌ها، نگاهی کلی به گروه‌های غیرمتعارف در جامعه دارند، و یکسان‌سازی ساده‌انگارانه‌ای را مرتکب شده‌اند، یا اگر به عرفان حلقه پرداخته‌اند، از قلمرو مکتوبات و نوشته‌های منسوب به طاهری فراتر نرفته، و تلاش کرده‌اند تا رابطه‌ای بین آموزه‌های او با عرفان‌های شرقی یا غربی کشف کنند. گاه مطالب یکی از این مقالات که فقط حاصل تأملات شخصی نویسنده آن بوده، یا حتی از بی‌طرفی علمی پا فراتر گذاشته، مورد استشهادهای مقالات متعدد بعدی قرار گرفته است. نگارنده این نوشتار علاوه بر جامعه‌شناسی، دارای سابقه

تحصیلات در الهیات و عرفان نیز می‌باشد، در عین حال، قبل از تحقیق تجربی، به جهت آشنایی بیشتر با موضوع، کتاب مختصر و جامعی از طاهری را که به قول خودش در مقدمه کتاب، بیان‌کننده «اصول اساسنامه عرفان کیهانی (حلقه)» (طاهری ۲۰۱۱: ۱۵) است، را مورد بررسی قرار داده که به علت محدودیت صفحات مقاله حاضر و هدف تجربی آن، در این جا مطرح نمی‌شود. نتیجه‌گیری بر اساس تحلیل‌های منطقی و علمی، اگر دقیق و مستند، و بی‌طرفانه باشد، ارزشمند است، ولی در هر صورت، جای بررسی تجربی واقعیت خارجی عرفان حلقه را پر نمی‌کند، و هدف این پژوهش بررسی تجربی است. این پژوهش به دنبال کشف عوامل کلانی که باعث ظهور گروه‌های معنویت‌گرا در ایران هستند، نمی‌باشد، بلکه قصد دارد، فقط عوامل و شرایط ورود افراد به کلاس‌های عرفان حلقه و فرایندها و پیامدهای موجود در آن را تبیین کند.

مباحث روشی

هدف در این پژوهش کیفی، آزمون فرضیه نیست، بلکه استنباط یک نظریه از دل داده‌هاست. پژوهشگر تلاش می‌کند تا با ابزارها و روش‌های مصاحبه و مشاهده، و مطالعه نزدیک افراد یا رویدادها یا اسناد- هر کدام به عنوان یک کل با تمام جوانب و خصوصیات- آن چه را در میدان تحقیق، در جریان است، به همراه شرایط، فرایندها و پیامدهای مربوط، به دقت توصیف کند، و به روابط و مکانیسم‌های زیربنایی علی که می‌تواند پدیده مقصود او را تبیین نماید، دست یابد. در واقع، در این روش، مفاهیم و فرضیه‌ها در ضمن کدگذاری‌ها و تحلیل‌ها بوجود می‌آیند، و فرضیه‌ها که در واقع مکانیسم‌های بنیانی علی را آشکار می‌کنند، بعد از اعتبارسنجی بیشتر، نظریه را شکل می‌دهند. مکانیسم‌های علی زیربنایی، توالی رویدادهایی هستند که فرض علیت در آن‌ها نسبتاً روشن و بین‌الذهانی است، بنابراین با مقایسه‌های اندک، از وجود علیت در آن‌ها اطمینان حاصل می‌شود. این گونه عملکرد که خطوط اصلی روش بکار برده شده در

پژوهش حاضر را ترسیم می‌کند، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، و حاصل آن نظریه زمینه‌ای^۱ نامیده می‌شود.

کلاس‌های عرفان حلقه از نظر قانونی مجاز نیست. محقق بعد از برگزار شدن چند جلسه و ملاقات و بحث با برخی از اعضای باسابقه، به یکی از کلاس‌های این گروه معرفی شده، ثبت نام کرد، و یک‌ترم و اندی در کلاس‌ها شرکت نمود. مشاهده مشارکتی در کلاس‌ها، و سپس عضویت در برخی از گروه‌های مربوط به عرفان حلقه در شبکه مجازی، مصاحبه با برخی از مربیان، و اعضای باسابقه، و همچنین، مصاحبه با کسانی که سابقه کمتری داشتند، زمینه جمع‌آوری داده‌های میدانی را فراهم کرد. نمونه‌گیری در تحقیق، نمونه‌گیری نظری است، یعنی گردآوری داده‌ها بر اساس مفاهیم در حال تکوین، و بر اساس نظریه در حال شکل‌گیری انجام شده است. هر مصاحبه‌ای که انجام و پیاده می‌شد، یا هر مشاهده‌ای که گزارش آن نوشته می‌شد، مورد تحلیل قرار می‌گرفت، و این تحلیل، کار گردآوری و نمونه‌گیری بعدی را تا حد اشباع نظری^۲، هدایت می‌کرد.

مصاحبه‌های پیاده‌شده، و گزارش مشاهدات مشارکتی، و برخی گفتگوها و متن‌های موجود در شبکه مجازی که مربوط به کلاس بود، به نوبت، به صورت فایل وُرد وارد نرم‌افزار مکس^۳ شدند، و کدگذاری‌های مختلف (باز، محوری، گزینشی) روی آن‌ها انجام گرفت. به کمک کدگذاری باز، مفاهیم به تدریج آشکار شدند که بعد از گذشت زمان و افزایش تعداد آن‌ها، با فروگاهی به مفاهیم عمده‌تر، مقوله‌ها را نتیجه دادند. در این روش، فرضیه‌ها که بیانگر رابطه‌های علی هستند، در ضمن کدگذاری

1. grounded theory

۲- برای مطالعه بیشتر درباره نمونه‌گیری نظری، نک به: انسلم استراوس و جولیت کرین؛ مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای؛ ص ۲۱۹-۲۳۰. ملانی بیرکس و جین میلز؛ تحقیق مبنایی: راهنمای عملی؛ ص ۹۵-۱۰۰.

کریستینا گولدینگ؛ تحقیق داده‌بنیاد: راهنمای عمل برای مدیریت، کسب و کار و ارزیابی؛ ص ۸۴-۸۹.

۳- نرم‌افزار MAXQDA نرم‌افزاری است که برای سهولت کار کدگذاری در پژوهش‌های کیفی طراحی شده است.

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۱۹۹

محوری شکل می‌گیرند و در ادامه کار، حک و اصلاح می‌گردند، و با مراجعه مکرر به نمونه‌های مختلف، مورد اعتبارسنجی قرار می‌گیرند.

محقق در ضمن همه مراحل مختلف کدگذاری، یادداشت‌های تحلیلی متعددی نوشته که گاهی توضیح‌دهنده کدهای داده شده به متن است (یادداشت کد)، ولی اکثراً دریافت‌هایی است که محقق از میدان تحقیق داشته و برای توضیح و تفسیر رویدادها مهم می‌باشد (یادداشت‌های نظری) و اندکی نیز پیشنهادهایی عملی برای پیشبرد تحقیق در برخی موارد مبهم می‌باشد (یادداشت‌های عملیاتی).

بازبینی کدها و نسبت آن‌ها با مدارک کدگذاری شده، مرور یادداشت‌های تحلیلی، به همراه توجه به نمودارها که روابط میان مفاهیم و مقوله‌های اصلی را برجسته می‌کند، به محقق کمک کرد تا بتواند کدها، مفاهیم و روابطی که در مقایسه‌ها تاب نیاورده‌اند، را حذف کند، و داده‌ها و نتایج بدست‌آمده را یکپارچه نماید (کدگذاری گزینشی). بنابراین، یافته‌های تحقیق برای عرفان حلقه، این گونه گزارش خواهد شد که ابتدا نموداری یکپارچه‌کننده که ورود افراد به گروه را تبیین و فرایندها و پیامدهای مهم را توصیف می‌کند، ارائه می‌شود، و سپس خط سیر رویدادها به صورت یک جریان پیوسته و داستان تحلیلی تشریح می‌گردد!

یافته‌های پژوهش کیفی در گروه عرفان حلقه

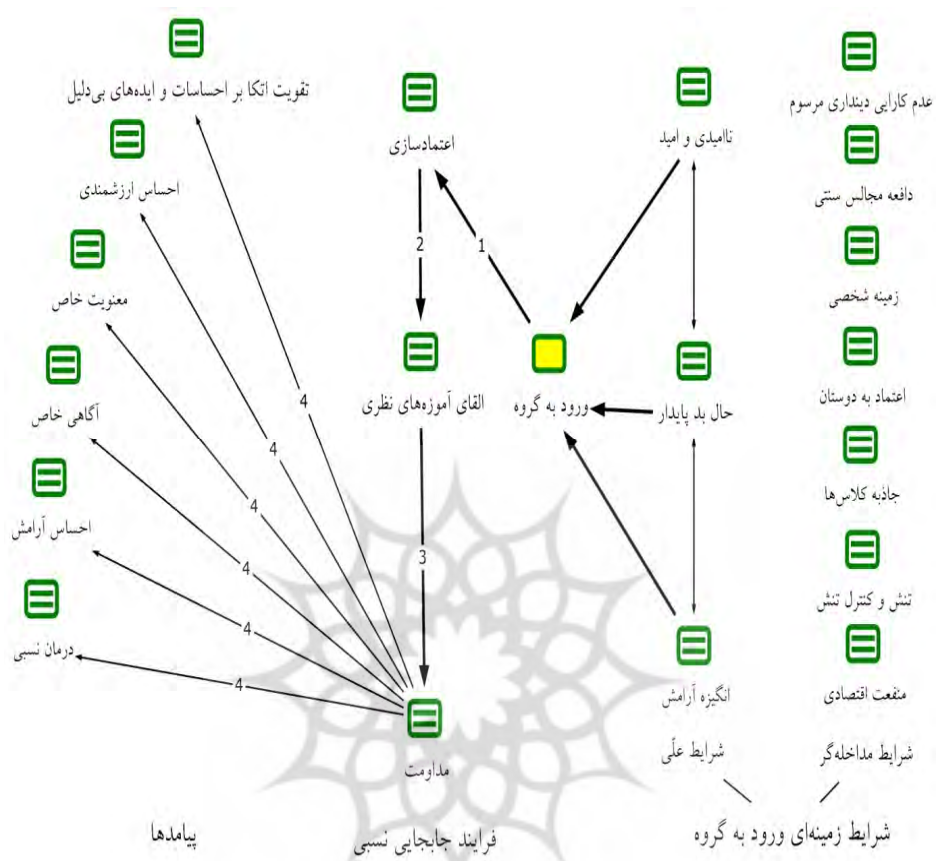
مقوله مرکزی یا محوری در مطالعه تجربی عرفان حلقه، یا به سخن دیگر، پدیده و رویداد اصلی که دست‌کم به طور موقت، در اعضای پای‌بند به این گروه در جریان

۱- برای مطالعه بیشتر درباره جزئیات روش نظریه‌پردازی داده‌محور، و چگونگی ارائه نتایج آن، نک به: انسلم استراوس و جولیت کریبن؛ مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ملانی بیرکس و جین میلز؛ تحقیق مبنایی: راهنمای عملی. کریستینا گولدینگ؛ تحقیق داده‌بنیاد: راهنمای عمل برای مدیریت، کسب و کار و ارزیابی.

است، فرایند جابجایی نسبی از حال بد پایدار، به حال خوب نسبی می‌باشد. بد و خوب بودن در این فرایند، بر حسب تلقی و اظهارات خود مخاطبان ارزشگذاری می‌شود، یعنی اجمالاً بخش قابل توجهی از شرکت‌کنندگان وفادار در کلاس‌های عرفان حلقه احساس می‌کنند که از حال و وضعیت روحی و جسمی که خودشان آن را بد و پایدار توصیف می‌کردند، به حال و وضعی که آن را نسبتاً خوب ارزیابی می‌نمایند، جابجا شده‌اند. البته، این فرایند اصلی، نه حال و وضع همه شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها را توصیف می‌کند، نه حاکی از پایدار یا موقت بودن پیامدها و ماهیت حقیقی آن‌ها است، نه چگونگی دستیابی به نتایج را توضیح می‌دهد، و نه سایر پیامدهای همراه را که عموماً منفی تلقی می‌شوند، را معرفی می‌نماید. این ویژگی‌های مهم و جدانشدنی از فرایند اصلی در یافته‌های تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرند، و بدون توجه و مطالعه آن‌ها نمی‌توان درباره عرفان حلقه و ارزش دستاوردهایش نظر داد.

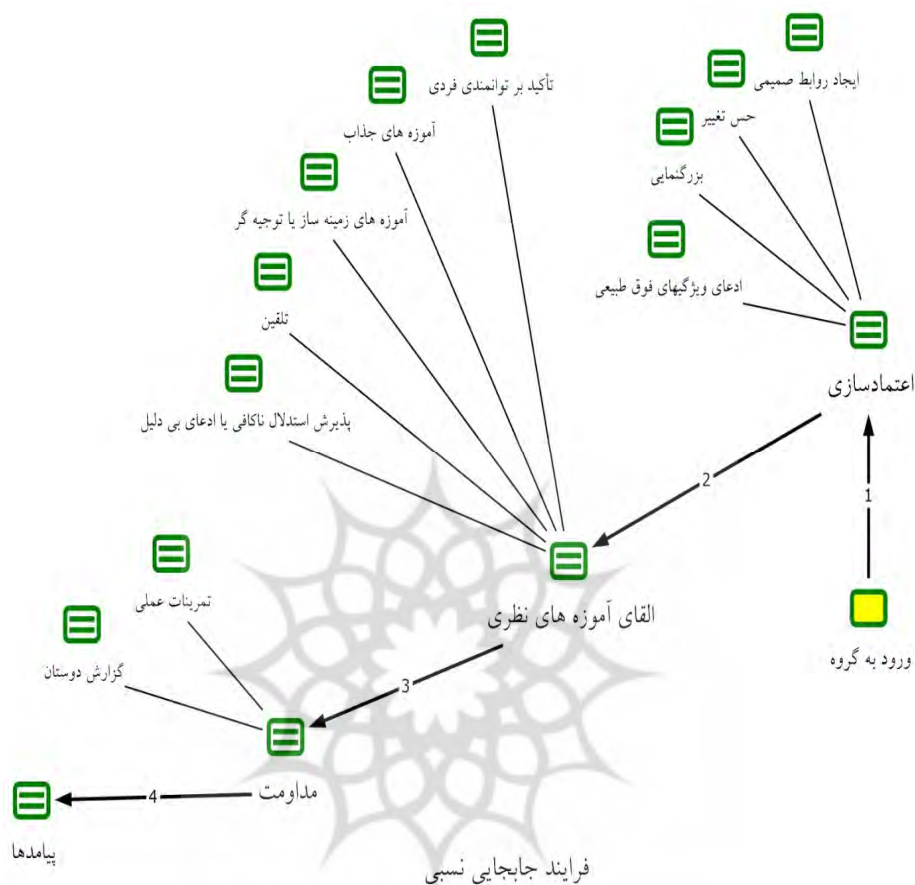
شکل شماره یک، نموداری است که از کدگذاری‌های مختلف حدود ۲۳۰ صفحه متن مصاحبه و حدود ۷۰ صفحه گزارش مشاهدات مشارکتی، به کمک روشی که توضیح داده شد، بدست آمده است. مفاهیمی که در شکل وجود دارند، مفاهیم عمده و مقوله‌هایی هستند که بیشتر آن‌ها حاوی مفاهیم فرعی دیگر می‌باشند، ولی به جهت اختصار، در نمودار اول آورده نشده‌اند. به جهت اهمیت فرایند جابجایی نسبی، نمودار دومی ترسیم شده، و فرایند جابجایی با تمام مفاهیم آن در آن نمودار ارائه شده است. به کمک تمام مفاهیم اصلی و فرعی، و بازخوانی متون کدگذاری شده به وسیله آن‌ها، و خصوصاً با استفاده از یادداشت‌های تحلیلی، خط سیر رویدادها در گروه عرفان حلقه تشریح و دو نمودار ذیل توضیح داده می‌شود. محقق برای وضوح یافتن داستان تحلیلی، آن را فصل‌بندی و شماره‌گذاری می‌کند. البته، به جهت محدودیت صفحات مقاله، بخشی از مطالب، هر چند مهم است، حذف شده، و به خلاصه مهم‌ترین آن‌ها اکتفا می‌گردد:

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۲۰۱



نمودار ۱- نمودار توصیفی - تبیینی عرفان حلقه

در نمودار بالا، پیکان‌های پررنگ که عدد ندارند، جهت تأثیر علی (تأثیر علت در معلول) را نشان می‌دهند، و پیکان‌هایی که عدد دارند، مراحل فرایند جابجایی نسبی را ترسیم کرده‌اند. در نمودار بعدی، فرایند جابجایی نسبی به همراه مفاهیم فرعی آن، جداگانه به نمایش گذاشته شده است:



نمودار ۲- فرایند جایجایی به همراه مفاهیم فرعی آن

در نمودار دوم، پیکان‌ها همراه با عددی که دارند، مراحل فرایند جایجایی نسبی که در نمودار اول به اختصار آورده شده بود، را نمایش می‌دهند، و خطوط ارتباطی نازک، بیانگر مفاهیم فرعی مربوط به هر مرحله از فرایند هستند. همان گونه که مشاهده می‌شود، نمودار اول دارای سه قسمت اصلی (اول) شرایط زمینه‌ای (یا بستر مناسب) ورود به گروه، (دوم) فرایند جایجایی نسبی، و (سوم) پیامدها است. در ادامه، تمام محتویات دو نمودار بالا، به ترتیب، توضیح داده می‌شود.

۱. بستر مناسب برای ورود بادوام به گروه

۱.۱. شرایط علی

مهم‌ترین وجه مشترک در تقریباً همه موارد ورود به گروه که گاه حتی توسط خود افراد نیز به عنوان عامل اصلی و مهم مورد توجه قرار می‌گیرد و به طور منطقی نیز می‌تواند نقش علی را برای ورود به گروه بازی کند، حال و وضع روحی بد و ناگواری است که در فرد پایدار و مزمن گشته و غالباً با عوارض جسمی و بیماری نیز همراه شده است. در این وضعیت، افراد معمولاً قبل از ورود به کلاس، بعضی از راه‌های دیگری را که به حسب باورها یا تجارب زندگی خود، برای رفع مشکلات به نظرشان می‌رسد، امتحان می‌کنند، مثل متوسل شدن به نماز، دعا، نذر، زیارت، یا مراجعه به دعانویس و فالگیر، یا مشاور و روانشناس، یا روان‌پزشک، مصرف دارو، و یا رفتن به کلاس‌های مختلف ورزشی یا غیرورزشی، و غالباً زمانی برای ورود به گروه اقدام می‌کنند که از راه‌هایی که می‌شناختند و مطابق با شئون خود می‌دانستند، و امتحان کرده‌اند، ناامید شوند، و در عین حال، هنوز به وجود راهی دیگر برای رفع مشکلاتشان امیدوار باشند. در این صورت است که با مداخله شرایط دیگری که توضیح داده خواهد شد، افراد به انگیزه رسیدن به آرامش، و درمان مشکلات روحی یا روان-تنی خود، به گروه عرفان حلقه وارد می‌شوند.

۱.۲. شرایط مداخله‌گر

(۱) همان‌طور که گفته شد، افراد قبل از ورود به گروه، معمولاً راه‌های دیگری را برای کسب آرامش آزموده، و ناامید می‌شوند. به جهت ویژگی فرهنگی در سطح کلان، یکی از عمومی‌ترین و مهم‌ترین این راه‌ها، دینداری مرسوم در جامعه است که عدم کارایی آن در مصاحبه‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفت. دقت در این نکته لازم است که آن چه در این جا مورد نظر است، خود دین نمی‌باشد، یا حتی برداشت عالمانه سنتی از

دین هم مقصود نیست، بلکه مقصود برداشت تقریباً اکثری، رایج و مرسوم از دین در جامعه است که شواهد موجود در پژوهش نشان می‌دهد که برای ایجاد معنویت و ارتباط با خدا، و برای کسب آرامش و رفع مشکلات مخاطبان، کارایی لازم را نداشته است.

۲) دافعه مجالس سنتی دینی هم بخشی از همان عدم کارایی دینداری سنتی، یا تقویت کننده آن است. مصاحبه‌شوندگان می‌گویند: «در این مجالس، فقط دین مطرح می‌شود، گویندگان اهل عمل نیستند، مطالب دارای مدرک معتبر یا تاریخ دقیق نیست، حرف‌ها فقط برای گریاندن مردم است و منطقی نمی‌باشد، گاه سخنرانان با ادعاهای زیاد، دارای مشکلات روانی شدید هستند، حرف‌ها تکراری است و به دل نمی‌نشیند».

۳) کسانی که وارد گروه عرفان حلقه می‌شوند، غالباً دارای پیش‌زمینه شخصی با خصوصیات هستند که حضور لاقبل یکی از این خصوصیات، ورودشان به گروه و بقای‌شان را در آن تسهیل می‌کند. اولاً ایشان دارای گرایش‌های دینی و معنوی - هر چند ضعیف، یا همراه با اطلاعات ناقص و غلط - می‌باشند. بعید به نظر می‌رسد فردی که هیچ‌گونه زمینه دینی و معنوی ندارد، به این گروه‌ها راه پیدا کند، و یا ادامه دهد. ثانیاً واردشوندگان به گروه، بیشتر اهل احساسات و علاقه‌مند به موضوعات عاطفی هستند، تا اهل تفکر و تعقل منطقی، و پذیرای استدلال‌های علمی یا فلسفی. سومین و آخرین پیش‌زمینه مناسب برای ورود و بقای افراد در گروه، قوه تخیل زیاد و آمادگی برای خیال‌پردازی، یا برخورداری از استعدادهای خاص روانی، و دریافت‌های غیرعادی ذهنی است. کسانی که بیشتر اهل خیال‌پردازی هستند، در جهت هماهنگی با عرفان حلقه، موفق‌تر عمل می‌کنند، زیرا همان‌طور که تشریح خواهد شد، نقطه شروع آموزه‌های عرفان حلقه، چشم بستن، و به قول خودشان، شاهد بودن، و سپس، گزارش کردن است. توضیح دقیق آن چه اتفاق می‌افتد، خواهد آمد، و روشن خواهد شد که کسانی که قدرت خیال‌پردازی بیشتری دارند، گزارش‌های بیشتری در کلاس ارائه می‌دهند، بیشتر

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۲۰۵

تشویق می‌شوند، و در نتیجه، پایبندی بیشتری به گروه در ایشان حاصل می‌گردد.
(۴) ورود افراد به گروه غالباً از طریق اعتماد به دوستانی صورت می‌گیرد که از پیش با این کلاس‌ها آشنایی دارند و نکات مثبتی از آن را تجربه کرده‌اند، و بنابراین، شرکت در این کلاس‌ها را برای رفع مشکلات به فرد پیشنهاد می‌کنند.

(۵) جاذبه این کلاس‌ها نیز در درجه اول، مربوط به اثر عملی حضور در آن‌ها برای کسانی است که با مشارکت در جمع و کلاس، پیامدهای مثبتی دیده‌اند. از مهم‌ترین جاذبه‌های دیگر کلاس، وجود روابط گرم و صمیمی در بین اعضای گروه، و حمایت عاطفی خصوصاً از طرف مربی کلاس است که البته در این مورد، جذابیت‌های رابطه با جنس مخالف - هر چند در حد مجاز شرعی - نیز قابل انکار نمی‌باشد.

(۶) گروه عرفان حلقه با اقتدار دینی و سیاسی جامعه تنش دارد. یکی از راه‌های مخالفت مدنی برای کسانی که از دولت یا حکومت ناراضی هستند، این است که در گروه‌های مخالف فعالیت کنند. بنابراین، تنش داشتن یک گروه با نهادهای رسمی، برای کسانی که از این نهادها ناراضی هستند، راه ورود به گروه‌های تنش‌دار را هموارتر می‌کند و در نتیجه، می‌تواند در کنار عوامل اصلی، نقشی فرعی‌تر را نیز در هدایت کردن افراد به گروه ایفا کند. در عین حال، روش‌هایی که عرفان حلقه برای کنترل این تنش بکار می‌برد، می‌تواند باز هم زمینه ورود افراد را به آن فراهم‌تر نماید. مدیریت و کنترل تنش در عرفان حلقه دو سویه است؛ از طرفی، وجود برخی مفاهیم و آموزه‌های رایج دینی لازم است تا مقاومت و مخالفت نهادهای دین رسمی، به گمان وجود یک دین و آیین تازه، کاهش پیدا کند. استناد به آیات و روایات اسلامی برای تأیید برخی مطالب (با وجود عدم توجه به برخی دیگر از آیات و روایات)، و توصیه عملی به حفظ ظاهر شریعت (با وجود اعتقاد نظری بر خلاف آن) از جلوه‌های این روش است. از طرف دیگر، ایجاد فاصله با دین سنتی و رسمی لازم است تا مقاومت و مخالفتی از طرف مخاطبانی که از دینداری رسمی سرخورده هستند، بوجود نیاید.

۷) برگزارکننده کلاس (استاد و مدرس کلاس) معمولاً منافع اقتصادی قابل توجهی در برگزاری کلاس‌ها دارد، و این می‌تواند انگیزه مهمی برای مربیان عرفان حلقه در جذب کردن افراد به گروه، ایجاد کند. هر چند، در کلاس‌ها و شبکه مجازی این‌طور اعلام و تبلیغ می‌شود که اولاً شهریه کلاس‌ها خیلی کم است (۷۰ هزار تومان برای هر ترم ۶ جلسه‌ای که یک ماه و نیم طول می‌کشد)، ثانیاً بیشتر صرف تبلیغات یا امور خیریه می‌شود، ولی در واقع، این شهریه که نه مالیات به آن تعلق می‌گیرد، و نه معمولاً هزینه جا و مکان و پذیرایی از آن کسر می‌گردد (چون کلاس‌ها داوطلبانه در منزل خود افراد تشکیل می‌شود)، مال خود استاد و مربی کلاس است. اگر هر کلاسی به طور متوسط ۲۰ نفر شرکت‌کننده داشته باشد، و مربی نیز به طور متوسط، در هر روز از هفته دو کلاس داشته باشد، حق‌التدریس مربی تقریباً بیش از ۱۳ میلیون تومان در ماه می‌شود. البته مبلغ واقعی، بسته به تعداد کلاس‌ها و افراد آن، می‌تواند کمی کمتر، و یا بیشتر از این هم باشد. از طرفی، ممکن است تعداد اعضای کلاس کمتر از ۲۰ نفر باشد، ولی از طرف دیگر، معمولاً تعداد کلاس‌های یک مربی، بیش از دو کلاس در روز است، و برخی از ایشان در چند شهر مختلف کلاس دارند.

۲. فرایند جابجایی نسبی

فرایند جابجایی از حال بد پایدار، به حال بهتر را می‌توان در سه گام عمده مفهوم‌پردازی کرد: ۱) اعتمادسازی، ۲) القای آموزه‌های نظری، و ۳) مداومت در تمرینات عملی و گزارش کلاسی. مفهوم گام به این معنا نیست که بین مراحل مختلف، لزوماً ترتیب زمانی وجود دارد، ترتیب یادشده ترتیب منطقی و اکثری را نشان می‌دهد. هر کدام از این مراحل، خود شامل قسمت‌ها، عناصر یا مراحل فرعی‌تر می‌باشند که در متن توضیح داده می‌شود:

۲.۱. اعتمادسازی

اعتمادسازی، یعنی جلب اعتماد شاگردان کلاس نسبت به طاهری، سایر مربیان و آموزه‌های ایشان. این فرایند به کمک چهار عنصر ایجاد روابط صمیمی، حس تغییر، بزرگنمایی، و ادعای ویژگی‌های فوق‌طبیعی انجام می‌شود:

(۱) اعتمادسازی با ایجاد روابط گرم و صمیمی با مربی، و سایر اعضای گروه آغاز می‌شود، و این نقطه آغاز، بسیار مهم و مبنایی است. مربی کلاس سعی می‌کند از همان روز اول، اعضای گروه را با نام کوچک، و با کلماتی مثل «عزیزم» و «جان» مورد خطاب قرار دهد، و این کار خیلی زود بین اعضای کلاس نیز رواج می‌یابد. مربی کلاس به غیر از ارائه آموزه‌ها و درس‌ها، با حمایت عاطفی و شنیدن مشکلات اعضا و تلاش در رفع آن از طریق مشاوره و یا فرادرمانی، خیلی زود رابطه‌ای صمیمی با اکثر اعضای کلاس برقرار می‌کند. به علاوه، این رابطه عاطفی بین همه اعضای گروه شبانه‌روز در فضای مجازی حفظ می‌شود. آموزش‌ها نیز با تشکیل جمع‌ها و حلقه‌هایی - هم در فضای حقیقی و هم در فضای مجازی - آغاز می‌شود که اساس آن، تلاش معنوی برای رفع مشکلات یکدیگر است (اعلام حلقه فرادرمانی). بدین ترتیب، بعد از گذشت چند جلسه، محیط کلاس و گروه به محیطی دلچسب با روابطی خوشایند و آرامش‌بخش تبدیل می‌شود. وجود همین روابط گرم، و تلاش برای حفظ و بقای آن تأثیر زیادی در پذیرش ادعاهای مطرح‌شده در کلاس و اعتماد به کارایی دستورالعمل‌ها دارد. بسیار مشاهده می‌شود که اعضا تلاش می‌کنند تا در گزارش‌ها، دریافت‌ها و تفسیرهایشان از پدیده‌ها، با گروه هماهنگ باشند تا روابط نزدیکشان با دیگران مهم و صمیمی آسیب نبیند.

(۲) عامل مهم دیگر که علاوه بر اهمیتش در جلب اعتماد شاگردان، می‌توان آن را مهم‌ترین تردستی و خلاقیت عرفان حلقه در رسیدن به اهدافش دانست، ایجاد زودرس نوعی حس تغییر است. به فرد در همان اولین جلسات می‌گویند که چشم‌هایش را ببندد

و فقط شاهد باشد (حلقه فرادرمانی). در واقع، چشم بستن نوعی توجه دقیق به خود است. هر کس که تا کنون چنین کاری را- با آگاهی و توجه- انجام داده، می‌داند که آدمی در این وضعیت، احساساتی در بدن، یا تصوراتی را در ذهن خود حس می‌کند. گر چه، طاهری در گفته هایش، شاهد (یا ناظر) بودن را مساوی با بی‌طرف بودن، یا محقق بودن، یا تسلیم بودن یا بی‌قضاوت بودن می‌داند، ولی در عمل، مقصودشان این است که فرد در قضاوت کردن، تسلیم تفسیر مربی‌اش باشد؛ به این صورت که مربیان عرفان حلقه این حس معمولی فرد چشم بسته را اسکن هوشمندی الهی تفسیر می‌کنند (وجود و چیستی هوشمندی الهی اشکالات فلسفی زیادی دارد). بدون آوردن هیچ گونه دلیلی، می‌گویند: «هوشمندی دارد روی تو کار، و تو را درمان می‌کند». شرایط طوری ترتیب داده می‌شود که شخص باورش می‌شود، مثلاً بعد از این که شاگردان چشمانشان را باز می‌کنند، مربی می‌گوید: «کی گرمش شد؟ کی سردش شد؟ کی بعد از این که چشمانش را باز کرد، چشمش تار دید؟ کی احساس خستگی کرد؟...» معمولاً در افراد یکی از این‌گونه حالات اتفاق می‌افتد، ولی با این قبیل پرسش‌های تقریری، این‌گونه القا می‌شود که همین تغییراتی که در حال چشم بستن اتفاق افتاده، نشانه همان اسکن هوشمندی الهی است که ادعا می‌کنند.

فردی که تا کنون بر اثر عدم تمرکز بر حالات جسمی و ذهنی خود، به وجود چنین حالاتی در خودش توجه تفصیلی نکرده، در یک جمع صمیمی طالب هم‌نواپی که وجود مشکلات، اکثر ایشان را مضطرب یافتن پناهگاهی کرده است، خیلی زود باورش می‌شود که حقیقتاً هوشمندی الهی او را لحاظ کرده و مشغول اسکن و درمان او و سامان دادن به مشکلاتش است. اکثر افراد از این‌که چنین مورد توجه الهی قرار می‌گیرند، احساس خوبی دارند؛ احساس ارزشمند شدن و احساس دیده شدن توسط خدایی که تا پیش از این شاید فقط پادشاهی سختگیر برایشان جلوه می‌کرد. این حس تغییر خوشایندی است که خیلی زود در جمع کلاس شیوع پیدا کرده و نقش مهمی در

ایجاد یا تقویت اعتماد اعضای کلاس به عرفان حلقه دارد.

۳) بزرگنمایی‌های فراوانی که نسبت به طاهری، در کلاس و شبکه مجازی صورت می‌گیرد، عامل دیگری برای جلب اعتماد به عرفان حلقه است. مثلاً می‌گویند که ایشان بنیانگذار دو رشته دانشگاهی فرادرمانی و سایمتولوژی است و در این موضوع، مقالات علمی متعددی در مجلات تخصصی پزشکی دارد، یا می‌گویند که طاهری در دانشگاه تهران فرادرمانی را تدریس می‌کرده، و صدها پزشک و روانشناس در کلاس‌های ایشان شرکت می‌کردند. فضای گروه‌های مجازی کشش لازم برای جستجوی اسناد معتبر را ندارد و بستر مناسبی برای جعل مدرک است، بدون ارائه مدرک، یا با ارائه مطالبی شبه‌مدرک، به آسانی، اعضای کلاس را متقاعد می‌کنند. اما وقتی خارج از فضای کلاس و گروه مجازی، جستجو می‌کنیم، به اعتبار دانشگاهی رشته‌های ادعاشده در یک دانشگاه معتبر نمی‌رسیم، یا مقالات طاهری را در مجلاتی بسیار معمولی بدون هیأت تحریریه و بدون درجه‌ای علمی می‌یابیم، یا وقتی به سی‌دی‌های به اصطلاح، کلاس‌های طاهری در دانشگاه تهران مستقیماً دسترسی پیدا می‌کنیم، این گونه می‌فهمیم که احتمالاً اواخر دهه ۸۰ شمسی، به طاهری اجازه داده‌اند، چند جلسه‌ای عرفان حلقه را ظاهراً در یکی از سالن‌های دانشگاه تهران معرفی کنند، و بالاخره، وقتی به خود طاهری و درس‌هایش - رها از اضطراب و احساس - توجه منطقی و معرفت‌شناختی می‌کنیم، مطالبی کم‌مایه و بعضاً غلط می‌یابیم. در هر صورت، این ادعاها و بزرگنمایی‌ها که در شرایط و فضای خاص کلاس و شبکه مجازی تکرار می‌شود، مورد پذیرش قرار گرفته و اعتماد بیشتری را به عرفان حلقه جلب می‌کند.

۴) ادعای ویژگی‌های فوق‌طبیعی برای مؤسس عرفان حلقه، و به تبع آن، برای مربیان کلاس‌ها، عنصر دیگری است که در کنار عناصر قبلی به اعتمادسازی کمک می‌کند. خاص بودن و دارای مقامات معنوی بودن استاد، بستر مناسبی برای پذیرش تعالیم وی فراهم می‌کند. خاص بودن استاد لزوماً به معنای جذابیت‌های ظاهری او

نیست، طاهری انسانی با ظاهر معمولی است، و این نکته‌ای است که هواداران عرفان حلقه روی آن بسیار تأکید می‌کنند، ولی توجه ندارند که مثلاً همین ادعای به ظاهر، ساده ایشان که «یک چیزهایی به طاهری داده شده، و ایشان می‌خواهد بی‌کم و کاست آن را به مردم برساند»، این یعنی خاص بودن، یعنی ویژگی فوق طبیعی، یعنی جذائیت. در عرفان حلقه، این خاص بودن که بخشی از آن به مربی‌های بعدی نیز می‌رسد، دست‌کم، به سه صورت جلوه می‌کند:

یکی همین ادعای واسطه‌گری در امور معنوی است. این دستورالعمل اولیه و مؤکد در عرفان حلقه که هر فرد باید حلقه‌های اتصال و ارتباط، و حفاظ آن‌ها را از مربی خود- و نهایتاً از طاهری - بگیرد به این نتیجه ضمنی و بدیهی می‌انجامد که طاهری (در اثر مجاهده و ریاضت) اکنون فرد خاص و برگزیده‌ای است که در رسیدن لاقبل بخش مهمی از فیض و رحمت الهی به دیگر بندگان، واسطه می‌باشد. صورت دیگر خاص بودن، ادعای فراهم کردن امکان ارتباطی آسان‌تر و کارآمدتر با خداوند و ماوراءطبیعت است که به جهت سهولت و سرعت تأثیرش، قابل دسترس و مفید برای همگان می‌باشد. اصحاب عرفان حلقه ارتباطی را که پیامبران، و یا عارفان سنتی تعلیم داده‌اند، ارتباطی فردی می‌دانند که حاصل اشتیاق زائدالوصف یا اضطراب است، و معمولاً بعد از تحمّل مشقّات زیاد نتیجه می‌دهد، ولی به نظر ایشان، طاهری در عرفان حلقه، ارتباط جمعی را مطرح کرده که - بر حسب ادعا- به آسانی، برای همگان حاصل شده، و نتیجه می‌دهد. مقصود عرفان حلقه از ارتباط جمعی وجود حلقه‌های اتصال است؛ متشکل از ارتباط‌دهنده، ارتباط‌گیرنده و شبکه شعور کیهانی و سپس، خدا و جریان فیض الهی، و بالاخره جلوه سوم خاص بودن، ادعای وحی و آیینی جدید و

۱- حلقه در اصطلاح این گروه، جمع متشکل از اتصال‌دهنده، اتصال‌گیرنده و شعور کیهانی، و سپس، رحمت الهی است. البته در عمل، این جمع حتی در اعضای انسانی خود، نه وابسته به مکان واحد، و نه حتی وابسته به زمان واحد است، بنابراین، کارکرد آن در واقع، فقط حفظ سلسله مراتب در واسطه‌گری است.

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۲۱۱

جهانی برای به اصطلاح، انسان هوشمند امروزی است. به عنوان نمونه‌ای روشن، حلقه ارتباط ویژه را این گونه در شبکه مجازی اعلام کردند که «... طبق نظر و اعلام استاد محمدعلی طاهری، حلقه ارتباط ویژه، از ساعت ۲۲ مورخ ۱۳ بهمن ماه ۱۳۸۶، به طور ۲۴ ساعته، در تمام دنیا اعلام گردید. تمام مردم دنیا، جهت بهره‌گیری از درمان، رسیدن به آرامش، و ... می‌توانند از این ارتباط به طور نامحدود بهره‌مند شوند...». عرفان حلقه این ادعا را بدون این که حساسیتی در بقایای احتمالی دینداری سنتی ایجاد کند، در قالب مفاهیم و ایده‌های جدید (مثلاً مفهوم عصر هوشمندی، یا ایده لزوم کنار گذاشتن تعصب)، به صورت امری کاملاً معقول و مستدل جلوه می‌دهد که «هر فرد دیگری غیر از طاهری هم که در عصر هوشمندی، مطالبی متناسب با روز بگوید، باید بپذیریم، و نباید بگوییم چرا او؟ وحی و کلام پیامبر اسلام (ص) نیز مناسب زمان خودش بوده است».

۲.۲. القای آموزه‌های نظری

درس‌های عرفان حلقه و سبک تدریس آن‌ها دارای ویژگی‌هایی است که به پذیرش سهل‌انگارانه آن‌ها کمک شایانی می‌کند؛ تأکید بر توانمندی فرد، جذاب و مفید بودن آموزه‌ها، وجود آموزه‌های توجیه‌گر، و بالاخره، کمک گرفتن از تلقین مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌باشد:

(۱) تأکید بر توانمندی همه اعضا در برقراری ارتباط با هوشمندی الهی، و نیز تأکید بر این نکته که همه انسان‌ها، بدون توجه به سن، جنس و سطح دانش‌شان، بعد از تفویض حلقه توسط مربی، قادراند از همان جلسه اول، فرادمانگری را شروع کنند، و بنابراین، برای خویشان، دوستان و مردم دیگر مفید و مهم باشند، مشوق خوبی برای تلاش است. به علاوه، فرد بیش از پیش علاقمند پذیرش آسانگیرانه مطالبی می‌شود که این قدر ارزش را به سادگی برای او رقم زده است. در جامعه‌شناسی شناخت، این نظر پذیرفته شده که آدمیان به چیزهایی معتقد می‌شوند که برایشان مفید است. دانش‌هایی

که برای آدمی فایده یا کارکرد دارند، از بستر آماده‌تری برای پذیرش برخوردارند، و چه دانشی و چه نظام فکری و عملی مفیدتر از آن نظامی که یک شبه انسان را بدون زحمت زیاد از فرش به عرش می‌برد، و او را تجلی‌گاه اراده الهی می‌کند؟

(۲) آموزه‌هایی که در کلاس‌ها و در شبکه مجازی ارائه می‌شود، معمولاً برای انسان زیسته در جهان امروزی دارای جذابیت است. در این مطالب، غالباً این ویژگی‌ها وجود دارد: تأکید بر آرامش، آگاهی، اخلاق، انسانیت، عقلانیت و تأکید بر صلح، محبت، عشق و خدمت به دیگران، بکار بردن اصطلاحات روز و مربوط به دانش‌های مختلف، به حداقل رساندن تکالیف دینی، ارتباط آسان با ماوراء (چشم بستن و اسکن شدن توسط هوشمندی) برای همه، آموزه‌های ساده و قابل فهم به زبان احساسات و همراه با مثال‌های عامیانه، یا اشعار عارفانه، اگر چه گاهی بی‌ربط.

(۳) برخی از آموزه‌های عرفان حلقه زمینه‌ای را فراهم می‌کنند تا مخاطب آموزه‌های دیگر گروه را آسان‌تر بپذیرد، یا بدون استدلال، به صرف احساس موافق، متقاعد شود، و یا در مقابل استدلال‌های ناکافی، خیلی حساسیت به خرج ندهد. این آموزه‌های زمینه‌ساز یا توجیه‌گر در عرفان حلقه متعدد هستند، و در کلاس‌ها و مطالب شبکه مجازی فراوان بکار می‌روند. برخی از این آموزه‌ها که کاربرد بیشتری دارند، به طور خلاصه، عبارت‌اند از: اول، در مقابل کنکاش و دقت عقلی و طلب استدلال منطقی در مطالب، غالباً این گفته طاهری مطرح می‌شود که پله عقل داریم و پله عشق، و این مطالب را با عقل نمی‌شود درک کرد. این گفته و آموزه‌ی توجیه‌گر گاهی با کمی توضیح کم‌مایه و قابل‌خدشه از طاهری همراه است که نمی‌تواند بدرستی قلمرو عقل و عشق را جدا کند، و فقط نوعی شعاردادن به نفع تعطیل کردن عقل می‌باشد. دوم، وقتی فرد در حلقه‌های مختلف چیزی را مطابق با تعلیمات عرفان حلقه حس نمی‌کند، مثلاً اسکن هوشمندی الهی را در خود حس نمی‌کند، می‌گویند: «افسرده است، باید صبر کند تا افسردگی او کاهش یابد، یا هاله‌های منفی گرداگرد او باید به تدریج از بین برود».

سوم، این آموزه که برخی از کتاب‌ها حامل ضدشعور (یا شعور پنهان) منفی هستند، و بنابراین، گاهی کتابخانه‌ها بدترین مکان برای حضوراند. چهارم، در شبکه مجازی این مطلب از طاهری (ترم یک، جلسه دوم) نقل شد که «کسانی که هیچ احساسی از اسکن ندارد، به علت قفل ذهنی است که با دو حرکت برطرف می‌شود؛ یکی انجام مرتب اتصالات فردی و دیگری کار جمعی و فرادمانی برای دیگران. در کار جمعی و تست و آزمایش‌های پی‌درپی به مرور، نرم‌افزار ناخودآگاه ما متقاعد می‌شود». پنجم، در موارد بسیاری، فرادمانی تأثیری قابل توجه، یا اصلاً هیچگونه تأثیری ندارد، ولی به این موارد توجه نمی‌شود، چون می‌گویند که درمان به صلاح‌دید هوشمندی یا خدا انجام می‌شود، یا اگر بعد از فرادمانگری، وضعیت بدی در فرد رخ دهد، این‌گونه تفسیر می‌شود که هوشمندی الهی شما را (کالبد‌های مختلف و نرم‌افزارهای آن‌ها را) اسکن کرده، و سموم یا ویروس‌ها در حال خروج هستند (برون‌ریزی). ششم، آخرین آموزه زمینه‌ساز و توجیه‌گر که در این جا یادآوری می‌شود، این گفته طاهری به شاگردانش است که افرادی که وارد عرفان حلقه می‌شوند، سه دسته هستند: بعضی از افراد، افرادی ساده هستند، دستورالعمل‌ها را فوری اجرا، و مطالب را زود باور می‌کنند، پیش‌زمینه ذهنی و پیش‌داوری ندارند، تکیه به هیچ معلومات و کتابی ندارند، یعنی به نوعی مثلاً پاک‌تر هستند. یک دسته افرادی هستند که به آن‌ها افراد دانا می‌گوییم. وقتی به این افراد مثلاً گفته می‌شود که چشم‌هایشان را ببندند، دچار تردید می‌شوند. ولی بالاخره، با تردید و به تدریج، دست به امتحان و آزمون می‌زنند، تا اگر مطلب را درست یافتند، بپذیرند. دسته سوم سوپر داناها هستند. این افراد به دلیل این که بسیار تکیه بر معلومات و اطلاعات شخصی دارند، و خودشان را عقل کل می‌دانند، و پیش‌داوری و قضاوت دارند، اصلاً پذیرا نیستند. پس به مربیان توصیه می‌شود که برای سوپر داناها خیلی وقت صرف نکنند.

(۴) آخرین نکته که در مورد آموزه‌های عرفان حلقه یادآوری می‌شود این است که

در انتقال ادعاها، در موارد متعدد، ردپای تلقین را می‌توان مشاهده کرد. البته، مخاطبان و حتی خود مربیان معمولاً تصور ساده‌انگارانه‌ای از تلقین در ذهن دارند، و فرایندهای پیچیده تلقین را نمی‌شناسند، پس آن را نفی می‌کنند و حتی در دفاع از فرادرمانی، سعی می‌کنند تفاوت‌هایی بین فرادرمانی و تلقین ارائه دهند که مبتنی بر ادعاهای ثابت‌نشده است. اصحاب عرفان حلقه کمتر توجه می‌کنند که اولاً ایراد وجود تلقین، اختصاص به فرادرمانی ندارد، بلکه در انتقال ادعاهای دیگر ایشان نیز نقش دارد، ثانیاً تلقین یک صورت ساده و مستقیم ندارد^۱.

فرایند اعتمادسازی، تأکید بر توانمندی فردی، انتقال آموزه‌های مفید و جذاب، کمک گرفتن از آموزه‌های توجیه‌گر و روش تلقین، نهایتاً فرایند جابجایی نسبی را به نقطه مهمی می‌رساند؛ نقطه پذیرش استدلال‌های ناکافی و قبول ادعاهای بی‌دلیل. منظور این است که استدلالی که از نظر منطقی برای گرفتن یک نتیجه کافی نیست، و این عدم کفایت - با توجه به سطح دانش مخاطب - روشن است، به آسانی نتیجه دلخواه را در ذهن مخاطبان بوجود می‌آورد، یا این که افراد در مقابل ادعاها، منفعلانه برخورد کرده، بدون تقاضای هیچ‌گونه دلیلی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

۲.۳. مداومت

مداومت کردن در تمرینات عملی و گزارش‌های کلاسی، آخرین حلقه از زنجیره جابجایی نسبی است. در کلاس، مربیان بر انجام دادن تمرینات عملی، ارتباط گرفتن در حلقه‌های اتصال جمعی، خصوصاً اعلام کردن حلقه فرادرمانی برای دیگران، و بر این که حتماً افراد حاصل تمرینات، ارتباطات و فرادرمانگری خود را در کلاس و در حضور دیگران گزارش کنند، تأکید فراوانی دارند.

۱- مقصود از تلقین کردن در این جا این معنای عام است که به گونه‌ای عمل کنیم تا مخاطبان تصویری غیرواقعی برایش حاصل شود، یا بدون وجود دلیل، تصدیق یا ادعایی را باور کند.

جالب است که این تمرینات عملی را از طرفی طبق آموزه‌های طاهری، وسیله‌ای برای همسو شدن و تصدیق عرفان حلقه می‌دانند (شکستن قفل ذهنی)، و از طرف دیگر، همین تمرینات عملی را نوعی تحقیق کردن در اعتبار و حقانیت عرفان حلقه نیز به حساب می‌آورند و می‌گویند: «تحقیق کنید و ببینید کار می‌کند و چیزی هست یا نه»، و همان طور که گفته شد، تمرینات نیز با چشم بستن و متمرکز شدن بر احساساتی که در دست‌ها یا جاهای دیگر بدن وجود دارد و نسبت دادن آن احساسات به اسکن هوشمندی الهی شروع می‌شود. هنگامی که فرد در چنین جمع صمیمی و طالب‌همنوایی، بالاخره، باورش می‌شود که آن چه را که حس می‌کند، کار هوشمندی الهی برای درمان اوست، در واقع، حقانیت عرفان حلقه و کارایی اتصال جمعی به مقدار زیادی برای او ثابت شده است. پس، گویی اصحاب عرفان حلقه، اعضای کلاس را به اسم تحقیق و برای تحقیق در عرفان حلقه، به راهی سوق می‌دهند که نتیجه‌اش - با توجه به شرایط کلاس - برای غالب شرکت‌کنندگان، همان باور به اسکن هوشمندی الهی و در نتیجه، باور به حقانیت عرفان حلقه است و اگر کسی راه دیگری را برای تحقیق کردن برگزیند مثلاً در مورد ادعای اسکن هوشمندی الهی دلیل بخواهد، او را تخطئه کرده، و مثلاً او را شاهد بی‌طرف نمی‌دانند.

چیزی که در این جا به حصول این باور و اطمینان به عرفان حلقه کمک می‌کند، بلکه نقش پررنگ و غیرقابل‌انکاری دارد، تکرار این تمرینات، و شنیدن مکرر گزارش‌های دیگران است. از طاهری (ترم یک، جلسه دوم) نقل می‌کنند که «رسم امانتداری در این کار، انجام اتصالات و کار روی دیگران است. همیشه منتظر گزارشات دیگران نباشید تا اگر دیگران به نتیجه رسیدند، حرکت را شروع کنید. در صورتی گروه قوی می‌شود که همه کار کنند». وجود انسجام گروهی و اهمیت بقای آن برای فرد و محبوب شدن عضوی از کلاس که گزارش‌های بیشتر و همسوتری با درس‌ها دارد، انگیزه درونی نیرومندی است که افراد را به ارائه گزارشاتی موافق با علایق گروه تشویق

می‌کند. به علاوه، گزارش دادن شاگردان، این قابلیت را دارد که در همکلاسی‌ها پیش‌زمینه ذهنی و آمادگی روانی ایجاد کند. بیان‌حالاتی که جدیداً برای برخی از شاگردان پیدا شده و توصیف ویژگی‌های آن در کلاس، می‌تواند اثرات مثبتی برای رسیدن دیگران به همان حالت‌ها و احساس‌ها داشته باشد.^۱ در غیر این صورت، تأکید بر گزارش گرفتن از افراد، درباره حالات خصوصی و معنوی ایشان، به طوری که همکلاسی‌ها بشنوند، چه مصلحت دیگری می‌تواند داشته باشد؟

بدین ترتیب، مداومت و تکرار تمرین‌های عملی و ارائه دادن و شنیدن مکرر گزارش‌ها، فرایند جابجایی نسبی را به نتیجه می‌رساند، این نتیجه با عنوان پیامدها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. پیامدها

همان‌طور که قبلاً گفته شد، مقوله اصلی که در این جا جریان دارد، فرایند انتقال و جابجایی معمولاً از حال بد به حال خوب است، و ملاک بد و خوب در این فرایند، احساس، درک و تشخیص خودآگاه فرد از شرایط و وضعیت روحی و روانی و جسمی خویش می‌باشد. ولی دو نکته مهم در این جا وجود دارد؛ اولاً این که فرایند جابجایی به عنوان پیامد خودآگاه عرفان حلقه، نسبی است، ثانیاً همراه فرایند جابجایی نسبی، پیامد، یا پیامدهای ناخودآگاه نیز وجود دارد:

۳.۱. نسبی بودن فرایند جابجایی خودآگاه

مقصود از نسبی بودن فرایند جابجایی، ویژگی‌های ذیل است:

(۱) در موارد قابل توجهی، برای شرکت‌کنندگان عرفان حلقه، فرایند جابجایی رخ

۱- برای مطالعه بیشتر درباره این گونه تأثیرات گروه بر فرد، رک: مباحث گروه‌درمانی در کتاب‌های روان‌شناسی بالینی، مثل احمدعلی نوریلا نعتی، و فاطمه تقی، روان‌شناسی بالینی، ص ۳۵۶-۳۵۷.

نداده و شخص از اواسط ترم اول، یا ترم‌های بعدی کلاس را ترک کرده است. به اصطلاح، ریزش در کلاس‌های عرفان حلقه، حتی در ترم‌های بالا امری شناخته شده و معمول تلقی می‌شود. (۲) در برخی موارد، شرکت‌کنندگان عرفان حلقه بعد از چند سال کار در این گروه‌ها و حتی رسیدن به مقام مربی‌گری هنوز دچار آسیب‌های مهم اجتماعی هستند، یا می‌شوند. اعتیاد، طلاق، مشکلات خانوادگی و مراجعه به مشاوران روان‌شناس، مشکلات اخلاقی، منیت‌ها و اختلاف (به قول خودشان تضاد) با دیگران، حتی گاهی در مریبان عرفان حلقه دیده می‌شود. (۳) در مواردی که فرایند جابجایی رخ داده، این فرایند معمولاً به طور نسبی، و نه مطلق، برای اعضا اتفاق افتاده است و ایشان در مجموع، وضعیت روحی یا جسمی خود را نسبت به گذشته، بهتر توصیف می‌کنند. ممکن است هنوز مشکلاتی باقی، و رنج‌ها و تضادهایی وجود داشته باشد، یا حتی گاهی فرد شاهد بازگشت خود به حالت بد گذشته باشد. (۴) در مواردی که فرایند جابجایی نسبی اتفاق افتاده، معمولاً غیر از حس تغییر اولیه که توضیحش در بحث اعتمادسازی گذشت، نتایج و پیامدهای مهم‌تر، تدریجی در طول گذران ترم‌ها و کلاس‌ها حاصل شده است، نه به صورت دفعی. (۵) برخی از مصاحبه‌شوندگان که سابقه آشنایی ایشان با عرفان حلقه و اعضای آن بیشتر است، پیامدهای مثبت عرفان حلقه را موقت ارزیابی می‌کنند و گزارش از مواردی می‌دهند که افراد بعد از ترک کلاس‌ها و قطع ارتباط دائمی با جمع هم‌کیشان، دوباره دچار همان حالت‌های بد گذشته شده‌اند.

۳.۲. پیامدهای ناخودآگاه

در مواردی که جابجایی نسبی اتفاق می‌افتد، در کنار همه پیامدهایی که خودآگاهانه از نظر فرد مثبت و خوب تلقی می‌شود، یک پیامد مهم و فراگیر، ولی ناخودآگاه نهفته است که هر چند، به حصول پیامدهای دیگر عرفان حلقه و فرایند جابجایی کمک می‌کند، خودش در نظام ارزشی و فرهنگ غالب جوامع انسانی، منفی تلقی می‌گردد، بلکه جزء عوامل عقب‌افتادگی ملت‌ها و فریب‌خوردگی انسان‌ها به‌شمار

می‌آید. تقریباً تمام کسانی که به پیامدهای مثبت عرفان حلقه (از نگاه خودشان) می‌رسند، در طول دوره‌ها عادت می‌کنند که به احساسات آنی و تخیلات، دوست داشتن یا نداشتن‌ها، خوشحال شدن یا غمگین شدن‌ها و به دل نشستن یا نشستن‌ها بیشتر اهمیت دهند، تا تعقل و استدلال کردن‌ها، بلکه عادت می‌کنند تا برای هر آن چه به خیال و ذهن‌شان می‌رسد و احساس می‌کنند، حسابی مهم باز کنند و از آن، تفسیری مطابق با درس‌های عرفان حلقه ارائه دهند، و نازک‌کاری‌های عاقلانه و عالمانه و دلیل‌طلبی‌ها را به شدت تحقیر نمایند. آموزه‌هایی شبیه پله عقل و پله عشق، و قانون صلیب (شبکه مثبت و منفی) و دیگر آموزه‌ها و به طور کلی، روشی که عملاً بر کلاس‌ها حاکم است، این وضعیت را تقویت می‌کند.

یک نتیجه بدیهی این وضعیت نیز معتقد شدن به ایده‌ها و آموزه‌ها، و پایبند شدن به روش‌ها و دستورالعمل‌هایی است که گاه، هیچ دلیلی بر اعتبار آن‌ها وجود ندارد، بلکه بعضاً، دلیل منطقی بر بی‌اعتباری آن‌ها حاکم است. اصحاب عرفان حلقه گمان می‌کنند که همین که ادعایی مربوط به پله عشق شد، برای اثبات اعتبارش نیازی به دلیل ندارد، پس به مطالب عجیب و غریب و بی‌دلیلی معتقد می‌شوند، فقط به این بهانه که از شهودات طاهری است! معمولاً توجه نمی‌کنند که تمایز الهامات الهی از خیالات نیز، به دلیل نیاز دارد. وقتی کسی دنبال چنین دلیلی می‌گردد، می‌فهمد که خود طاهری نیز به جز حرف‌هایی که به مغالطه شباهت بیشتری دارد، دلیلی بر اعتبار شهوداتش ندارد. بنابراین، پیامدهای ناخودآگاه و مهم عرفان حلقه را می‌توان در این عبارت خلاصه نمود: تقویت اتکا بر احساسات و ایده‌های بی‌دلیل.

۳.۳. پیامدهای خودآگاه

در هر صورت، در مواردی که فرایند جابجایی نسبی با تمام ویژگی‌های پیش‌گفته، اتفاق می‌افتد، از نظر مشارکت‌کنندگان، مهم‌ترین نتایج آن، یعنی مهم‌ترین نقاطی که

جابجایی به آن نقاط صورت می‌گیرد، موارد ذیل است. این‌ها همان حالاتی هستند که خودآگاهانه نزد افراد، خوب و باارزش تلقی می‌شوند:

(۱) **احساس ارزشمندی:** در گزارش‌های اعضای عرفان حلقه به‌وضوح مشخص می‌شود که اولین تغییر و در واقع، بنیادی‌ترین تحول در فرد، تغییر تفسیر او از وضعیت روحی و جسمی خویش در راستا و همسو با آموزه‌های عرفان حلقه است. ظاهراً اولین مرحله در براه افتادن چنین تغییری، همان زمانی است که فرد چشمانش را می‌بندد و کم‌کم، آن چه را در جسم یا ذهن خود احساس می‌کند، اسکن هوشمندی الهی برای درمان خود تفسیر می‌کند. این تغییر به‌ظاهر کوچک، سرآغاز تحولات بینشی و تغییرات بعدی است. کسی که این چنین خداوند را دست‌یافتنی‌تر، نزدیک‌تر و محسوس‌تر از گذشته می‌یابد، کسی که احساس می‌کند به منبع لایزالی مستقیماً دست‌یافته که بسیار عملی‌تر از گذشته مشکلاتش را سامان می‌دهد و کسی که تا پیش از این، از بی‌اعتنایی دیگران، احساس حقارت و بیهودگی می‌کرد، اکنون با فرادمانگر شدن، احساس محبت به خداوندی دارد که چنان بنده‌اش را ارج نهاده و بر صدر نشانده که او را وسیله شفای دیگران قرار داده، چنین کسی، طبیعی به نظر می‌رسد که نگاه و رویکردش در زندگی تحولات مهمی را تجربه کند.

(۲) **معنویت خاص:** احساس ارزشمند بودن در پیشگاه الهی که با باور به اسکن هوشمندی الهی و سپس، باور به فرادمانگر شدن فرد شروع شده بود، سرآغاز ظهور معنویت در افرادی است که تاکنون معنویت و ارتباط نزدیک با خدا را کاری سخت می‌دانستند، یا خود را در شأن ارتباط با خدا و قرب به او حس نمی‌کردند. مقصود از معنویت در این جا مفهوم گسترده‌ای است تا درجات متفاوت شرکت‌کنندگان را شامل شود. اولین و کمترین مرحله آن، رو کردن به آشنایی با مفاهیم و ایده‌های دینی، از روی علاقه و احساس دوستی با خدا است. انتقال تأکید از ظاهر دین به باطن آن، و اهمیت بیشتر دادن به برقراری ارتباط و اتصال ذهنی با خدا را نیز می‌توان از مراحل ابتدایی این

معنویت شمرد. سپس، تغییر و اصلاح بینش نسبت به جهان هستی، و اکتساب یک رویکرد مبتنی بر اعتقاد به وجود حکمت الهی در همه اتفاقات زندگی، از مراحل میانی آن است که در ادامه، حصول حالت تسلیم و صبر در مشکلات زندگی، و در نهایت، همه مردم را وجه‌الله، بلکه همه عالم را تجلیات الهی دیدن، و بالاخره، فانی در خدا شدن از مراحل پایانی آن است که دست‌کم، از اهداف معنوی عرفان حلقه شمرده می‌شود. در مصاحبه‌ها، وجود برخی از مراحل اولیه و میانی معنویت در برخی از اصحاب عرفان حلقه توسط خودشان گزارش می‌شود.

۳) آگاهی خاص: کسانی که مدت بیشتری در کلاس‌های عرفان حلقه شرکت کرده‌اند، معتقداند که در این کلاس‌ها به عمق معانی و مفاهیم دینی که از قبل در دینداری سنتی با آن آشنا بودند، پی‌برده‌اند و تفسیر بهتری را نیز از برخی از آیات قرآن فراگرفته‌اند. البته، وقتی اصحاب عرفان حلقه توضیح جدید مفاهیم سنتی یا تفسیر جدید از آیات قرآن را که در این کلاس‌ها فراگرفته‌اند، بیان می‌کنند، معلوم می‌شود که در مورد اکثر این مفاهیم و آیات، با دانشی عامیانه که از محیط و فرهنگ موجود گرفته بودند در کلاس‌ها حاضر شده، و لذا گمان کرده‌اند که توضیحات گفته‌شده در کلاس‌ها، ابداع عرفان حلقه است، حال آن که خیلی از این توضیحات و تفاسیر به اصطلاح جدید، در متون دینی، تفسیری، اخلاقی یا عرفانی سنتی موجود است. بله، طاهری مطالبی را هم احتمالاً از نحله‌ها یا گروه‌های معنوی و عرفانی دیگر، یا از علوم دیگر مثل روان‌شناسی و روان‌کاوی، یا از دانش‌های غیرعادی وام گرفته و ترکیب کرده، یا حسب ادعا، در شهودات عارفانه بدان‌ها دست یافته است. شاگردان کلاس‌های عرفان حلقه از این نظر نیز معتقد هستند که عرفان حلقه توانسته چشمان ایشان را به حقایق تازه‌ای باز کند که تا پیش از این از آن آگاهی نداشتند.

گاهی نیز در هنگام ارتباط یا در مواقع دیگر، اشعاری به ذهن برخی از ایشان می‌رسد که نوعی شهود و کسب آگاهی محسوب شده، در کلاس و یا در فضای مجازی

گزارش شده، و مورد تحسین دیگران قرار می‌گیرد. این افراد غالباً تا پیش از آن، اهل سرودن شعر نبوده‌اند و گاهی اظهار می‌کنند که حتی معنای برخی از کلمات و اشعاری که دفعتاً به ذهن‌شان خطور کرده را نمی‌دانند. همچنین، برخی اظهار می‌کنند که ناگهان مسئله و مشکلی برایشان باز می‌شود که آن را نیز نوعی آگاهی می‌دانند. البته، همیشه احتمال یک توجیه روان‌شناختی و غیرعرفانی از این پدیده‌ها وجود دارد؛ تحقق لحظه‌ای و دفعی قریحه شعر، هنگام تحریک شدن مداوم احساسات برای مدتی از زمان، همچنین، یافتن ناگهانی راه حل یک مشکل (جرقه ذهنی)، بعد از مشغله فکری دائمی یا شدید به آن مسئله، امری طبیعی و تقریباً عادی است که در عرفان حلقه، آن را آمدن آگاهی از جانب هوشمندی الهی می‌دانند. ولی با وجود چنین احتمالاتی، نمی‌توان این پدیده‌ها را لزوماً نوعی خرق عادت و خارج از طاقت بشر و بنابراین، مستقیماً مستند به امری الهی دانست و به کمک آن به نفع حقانیت عرفان حلقه استدلال کرد.

۴) احساس آرامش: احساس آرامش نیز محصول همان تغییر و اصلاح بینش و همراه و ملازم معنویت است که داستان آغاز شدن و ادامه یافتن‌شان در اعضای عرفان حلقه، در ضمن تشریح پیامدهای قبلی بیان شد. اصلاح بینش، یا به قول اصحاب عرفان حلقه، ارتقای سطح ناظر، تحمل و صبر فرد را در مقابل مشکلات و سختی‌های زندگی افزایش داده و ظرفیت و شرح صدرش می‌بخشد. اتفاقات بیرونی و خاطرات ذهنی، چنین فردی را کمتر مضطرب می‌کند و او تضاد کمتری را با دیگران یا با پدیده‌های جهان هستی تجربه خواهد کرد، زیرا اهمیت خیلی از چیزها برای او جابجا شده و او در وابستگی‌اش به خیلی از چیزها تجدید نظر کرده است.

۵) درمان نسبی: فرادرمانی موضوع مهمی، دست‌کم، در آموزش‌های آغازین عرفان حلقه تا هنگامی است که فرد باورش نسبت به عرفان حلقه مستحکم شود. البته، طاهری و شاگردانش فرادرمانی را به عنوان یک اصل مهم بیان می‌کنند، و فرادرمانی برای آغاز راه مهم هم هست، اما عملاً در ترم‌های بالاتر به تدریج از اهمیت آن نزد

اصحاب باسابقه کاسته می‌شود. در ادامه، علت احتمالی این فراز و فرود روشن خواهد شد.

فرادرمانی اولین ادعای مهمی است که در ایجاد علاقه و نیز جلب اعتماد شاگردان نقش بزرگی دارد. اولین حلقه‌ای که به فرد تفویض می‌شود، حلقه فرادرمانی است. عضو تازه‌وارد در این حلقه، با بستن چشم - چنانچه شرح گذشت^۱ - اولین تغییر را حس می‌کند؛ او احساس می‌کند، ارتباطی محسوس با هوشمندی کیهانی برقرار کرده و مستقیماً مشمول رحمت و شفای الهی قرار گرفته و به تدریج، درمان خواهد شد. به علاوه، احساس می‌کند که به عنایت الهی، فرادرمانگر نیز شده و می‌تواند به دیگران کمک کند. او با تشویق مربی و انگیزه مفید بودن برای دیگران، به کار فرادرمانگری می‌پردازد، به این صورت که معمولاً از بیمار خود دو یا سه وقت در روز می‌گیرد تا بیمار متعهد شود که در آن ساعات در ارتباط بنشیند (چشم‌هایش را ببندد و فقط شاهد باشد)، و بعد، آن چه را حس کرده، گزارش کند. فرادرمانگر تازه‌کار معمولاً با این تمرین و تکرار و قرار گرفتن در فضای کلاس، در باورهای خود استوارتر می‌گردد. پس، فرادرمانی در عمل، برای آغاز راه، ضروری است.

گزارش‌ها در مورد تأثیر فرادرمانی بسیار متفاوت است؛ برخی از گزارش‌ها تأثیر فرادرمانی را انکار و این روش را نوعی فریبکاری می‌دانند. خود اصحاب عرفان حلقه با تأکید فراوان در فضای حقیقی و مجازی، گزارش‌هایی را از شفای بیماران که تحت فرادرمانی قرار گرفته‌اند، نقل می‌کنند. حتی در برخی مجلات شبه‌پزشکی (مجله‌ای با درجه معتبر علمی در این مورد یافت نشد) تلاش می‌کنند گزارشاتی را با ظاهر علمی از درمان بیماران نقل کنند. در این گزارشات - که نمی‌توان به اصالت آن‌ها اطمینان داشت - شرایط علمی مقایسه و استناد علی رعایت نمی‌شود. نام بیمار، مشکلات و بیماری‌اش و سپس علائم بهبودی او بعد از فرادرمانی گزارش می‌شود. چنین گزارشاتی علاوه بر

۱- در مبحث اعتمادسازی، بحث حس تغییر.

ابهام در اصالت، با این مشکل بزرگ مواجه‌اند که در آن‌ها، جزئیات و شرایط لازم وجود ندارد تا بتوان با اتکا بر آن‌ها، به طور علمی، بهبودی بیمار را به فرادرمانی مربوط دانست.

گزارش‌های شاگردان کلاس نیز از فعالیت‌های فرادرمانی قابل توجه است. این گزارش‌ها را باید در زمینه خود فهمید. مهم‌ترین زمینه، تغییر بینش شاگردان کلاس است که در توضیحات قبلی بیان شد که فرد- بدون وجود دلیلی منطقی- احساس می‌کند، به اتصال و ارتباط با خدا رسیده است. فردی که این چنین خود را مرتبط می‌بیند، زودتر بینش‌های دینی جذاب یا ایده‌های شبه‌دینی مرتبط را می‌پذیرد، خصوصاً که با تکالیف الزامی همراه نیست، بلکه همراه تشویق و تمجید دوستان جدید است. با قطع نظر از برخی پیامدهای منفی و مهم و ویژگی‌هایی که برای نسبی بودن جابجایی توضیح داده شد، عرفان حلقه به کمک این شرایط، نگاه و بینش بهتری به شرکت‌کنندگان می‌بخشد و زندگی ایشان را که معمولاً پر از تضاد با خدا، جهان یا دیگران بوده، به تدریج، قرین آرامش نسبی می‌کند. همین آرامش است که باعث بهبودی نسبی بسیاری از بیماری‌های تنی، یا روان-تنی ایشان می‌شود و همین نوع درمان است که بیشترین گزارش درمان را به خود اختصاص می‌دهد.

افراد غالباً با ایمان و اعتماد به حلقه‌ها به سراغ فرادرمانی می‌روند و به قول روان‌شناسان، چون دوست دارند، درمان ببینند و درمان گزارش کنند، چنین می‌شود و از موارد خلاف که فرادرمانی اثری نداشته، راحت می‌گذرند، خصوصاً همراه با این آموزه زمینه‌ساز که «درمان دست خداست و آن مورد را خدا نخواست». در این شرایط، در کلاس‌ها فراوان اتفاق می‌افتد که فرادرمانگر مواردی را که بیمار احساس بهبودی موقتی داشته، با آب و تاب گزارش می‌کند و احساس خوب حاصل از موفقیت و تشویق دوستان، رضایت او را بیشتر و ایمانش را افزون‌تر می‌گرداند، ولی دیگر موردش را پی‌نمی‌گیرد که بهبودی کامل برایش حاصل می‌شود یا نه، بلکه معمولاً برای همان مورد،

دوباره و چندبارہ فرادرمانی اعلام می‌کند و ناخودآگاه به خود اجازه نمی‌دهد که بپرسد این مورد را که من اعلام کرده بودم، پس چه شد! تازه اگر هم خود او یا کسی دیگر چنین اشکالی بگیرد، آموزه‌های زمینه‌ساز یا توجیه‌گر فراوانند، مثل این که «مداومت لازم است تا افسردگی‌اش از بین برود»، یا «احتیاج به تشعشع دفاعی برای خروج ویروس‌های غیرارگانیک دارد»، یا «باید در ترم‌های بالاتر حلقه‌های خاص تفویض شود»، و ... بالاخره، توجیه آخر این که «خدا نخواسته است، ما که کاره‌ای نیستیم».

مواردی که ادعا شده که فرادرمانی مشکلی جدی در بدن بیمار را برطرف کرده است، نیاز به تحقیق در صحت مدارک و گزارشات دارد و شاید نیاز به بررسی یک تیم علمی بی‌طرف داشته باشد، تا احتمال تصادف در توالی حوادث، یا احتمال ارتباط بهبودی حال بیمار با درمان رایج و سایر احتمالات مخالف را نفی کند و نتایج را از نظر آماری بررسی نماید که معنادار باشند. البته، اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، باز یک آموزه توجیه‌گر دیگر وجود دارد که می‌گوید: «یکی از دشمنان اصلی فرادرمانی، پزشکی رایج یا مافیای دارو و مواد مخدر است، و این‌ها نمی‌گذارند، اعتبار فرادرمانی ثابت شود».

ولی نکته مهم‌تر این است که فرادرمانی را نمی‌توان با روش علمی اثبات یا نفی کرد، زیرا درمان نیست، بلکه فرادرمان است (مثل فراعلم)، یعنی اگر موارد کثیری را پیدا کنی که در آن موارد، بهبودی معناداری حاصل نشده باشد، خواهند گفت که خداوند شفا را در آن موارد نخواسته است. به تعبیر علمی، فرادرمان ابطال‌پذیر نیست و قابلیت آزمون تجربی و علمی در مورد آن منتفی است. پس، فرادرمان فقط نوعی درمان‌خواهی (استشفاء) از خداوند، یا از هوشمندی کیهانی می‌باشد، و به حیطة علم تجربی مربوط نمی‌شود، و از این نظر، آن را فقط می‌توان با دعاکردن معمولی برای شفا مقایسه کرد و شاید برای مقایسه باید قوانین و عملکردهای آن دو را سنجدید. یک فرق بارز این دو روش این است که در دعاکردن معمولی، انسان می‌تواند بدون واسطه از خداوند بخواهد که بیماری‌اش را شفا دهد، ولی در روش عرفان حلقه - قطع نظر از مشکلات دیگری که تا

کنون بیان شد- فرد باید ابتدا حلقه مخصوص و حفاظ آن را از سلسله مراتب مریبان بگیرد. گویی اگر حلقه خاص و حفاظ آن را از مربی خود و با واسطه، از طاهری نگیرد، یا مثلاً برای مقصود درمان، در حلقه مربوط به دشارژ بنشیند، آن هوشمندی! از تشخیص و رفع مشکل او ناتوان شده و یا دچار اشتباه می‌شود!

در مصاحبه تکمیلی که با یکی از اعضای با سابقه داشتم (ایشان تمام دوره‌های موجود در عرفان حلقه را گذرانده بود) و درصدد بودم که بازخورد او را نسبت به مطالبی که از کلامش استفاده می‌شود، ببینم (نوعی سنجش اعتبار در روش کیفی)، برایش استدلال کردم که عرفان حلقه در این ادعا که چیزی به اسم فرادرمانی از جانب هوشمندی صورت می‌پذیرد، دلیلی ارائه نمی‌دهد. بعد از پافشاری من بر محکم کردن استدلالم، ناراحت شد، و گفت که «اصلاً این‌ها همه بازی است؛ درترم هشت ما می‌رسیم به این که هیچ چیز جز خدا نیست، و من نباید این را الآن به شما می‌گفتم»، و ادامه داد که «خود طاهری هم حتی درترم اول به این نکته اشاره‌ای می‌کند». یادم افتاد که یکبار در کلاس نیز وقتی مربی اصرار من را در مورد دلیل اعتبار فرادرمانی می‌دید، به طوری که توجه شاگردان را زیاد به خود جلب نکند، به من گفت: «این‌ها که چیزی نیست، این فرادرمانی بازی است، ما باید به چیزهای دیگری برسیم». به مصاحبه‌شونده با سابقه گفتم: «یعنی این ادعاهای درمانگری و درمان شدن، همه بازی است؟» گفت: «همه برای تصحیح بینش افراد، و برای ارتقای دید ناظر است».

البته، باز هم کلامش دوپهلوی بود، و با وجود تأکید من، مقصودش را از بازی درست روشن نکرد؛ آیا فرادرمان به کلی دروغ است، و تنها فایده‌ای که در این بازی وجود دارد، عوض شدن بینش فرد نسبت به خدا و جهان است؟ یا تا حدودی تأثیر دارد، ولی آغاز راه و برای جلب مشتریان است و مقصد اصلی چیز دیگری است؟ یکی از آموزه‌های زمینه‌ساز در عرفان حلقه این است که می‌گویند: «در عرفان حلقه، پیچاندن ممنوع است». آیا فرادرمانی نوعی پیچاندن مجاز است، چون آن را به نفع پیچ‌خورده‌ها

می‌دانیم؟! در هر صورت، شاید راز این که فرادرمانی به تدریج اهمیت خود را نزد اعضای قدیمی (به جز مربیان که در مقام تعلیم مبتدیان و جذب افراد هستند) از دست می‌دهد، و ایشان دیگر آن شوق و ذوق اولیه را در فعالیت‌های فرادرمانگری ندارند، در همین بازی بودن فرادرمانی نهفته باشد.

نتیجه‌گیری

عرفان حلقه، با تکیه بر ایجاد روابط گرم و صمیمی، در میان کسانی که نیاز مبرمی به این روابط دارند، یا با تکیه بر زبان احساسات در میان کسانی که این زبان را بهتر از زبان تعقل و استدلال می‌پذیرند و با پیش کشیدن طرحی همگانی و آسان برای ارتباط با خدا و شفا و درمانگری و با تردستی در نسبت دادن بی‌دلیل احساسات معمولی، به اتصال و درمان الهی، تغییرات اعتقادی و بینشی مهمی در بخشی از اعضای خود ایجاد می‌کند. این تغییرات دست‌کم، تا مدتی که فرد به کلاس‌های عرفان حلقه می‌آید، یا لااقل، با دوستان صمیمی و هم‌کیش خود مرتبط است، حال بهتری نسبت به گذشته، به او می‌بخشند و آرامشی نسبی نصیبش می‌نمایند. این جابجایی نسبی، خودآگاهانه است، ولی پیامدهای ناخودآگاهی نیز به همراه دارد که در فرهنگ عمومی، منفی تلقی می‌شوند و آن را مایه فریب‌خوردگی شخص محسوب می‌کنند. عرفان حلقه در نگاه حاصل از نتایج این پژوهش میدانی که ضرورتاً بسیار خلاصه‌وار گزارش شد، بیشتر به پیچاندن مردم (پیچاندن بنا بر اصطلاح خود عرفان حلقه است که در بالا، قبل از نتیجه‌گیری بیان شد) برای رساندن ایشان به یک آرامش نسبی شبیه است. آیا نیاز مبرم به آرامش، در محیط پرتنش جامعه امروزی، استفاده از هر وسیله‌ای را اخلاقاً مجاز می‌کند؟ آیا آرامشی که از این راه بدست می‌آید، پایدار و عمیق است؟ و آیا معنویتی که این چنین فراهم می‌گردد، یکسره کمال و رشد است؟ پاسخ مثبت دادن به این پرسش‌ها بسیار مشکل است.

منابع

- استراوس، انسلم و جولیت کرین. (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشرنی.
- بیرکس، ملانی و جین میلز. (۱۳۹۳)، *تحقیق مبنایی: راهنمای عملی*، ترجمه: سیدمحمد اعرابی و عبادالله بانسی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- طاهری، محمدعلی. (۲۰۱۱)، *عرفان کیهانی (حلقه)*، امریکا: چارلزتون (۲۰۰۸).
- گولدینگ، کریستینا. (۱۳۹۴)، *تحقیق داده بنیاد: راهنمای عمل برای مدیریت*، کسب و کار و ارزیابی، ترجمه: سیدمحمد اعرابی، شهرام خلیل‌نژاد و سیدعلیرضا هاشمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی و پژوهشکده مدیریت سما.
- نوربالا تفتی، احمدعلی؛ فاطمه تفتی. (۱۳۹۳)، *روانشناسی بالینی*، تهران: انتشارات مدرسان شریف.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- Carrette, Jeremy & Richard King. (2005). *Selling Spirituality: The Silent Takeover of Religion*; London, New York: Routledge
- Guest, Mathew. (2007). "In Search of Spiritual Capital: The Spiritual as a Cultural Resource"; in Kieran Flanagan & Peter C.Jupp (eds), *A Sociology of Spirituality*, England, USA: Ashgate, pp.181-200.
- Lynch, Gordon. (2007). *The New Spirituality: An Introduction to Progressive Belief in the Twenty-first Century*; London, New York: I.B. Tauris.

پیوست‌ها

در این پژوهش، گزارش مشاهدات مربوط به کلاس‌ها، ۱۷ صفحه حدوداً ۵۳۰ کلمه‌ای را اشغال کرده، و متن‌های کدگذاری شده مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها (نه همه متن‌ها) بالغ بر ۲۰۷ صفحه حدوداً ۲۰۰ کلمه‌ای شده، و یادداشت‌های تحلیلی ۶۹

صفحه حدوداً ۳۰۰ کلمه‌ای می‌باشد. بر طبق آن چه متخصصان صاحب‌نظر در نظریه زمینه‌ای می‌گویند، شیوه گزارش تحقیق، همان بیان منسجم خط سیر رویداد است که متن اصلی مقاله بود. به جهت محدودیت حجم یک مقاله، از موارد بالا، هر کدام یک صفحه به عنوان نمونه آورده می‌شود. البته، سیستم کدها نیز در صفحه‌ای جداگانه گزارش می‌شود:

پیوست ۱. نظام کدها

Code System [438]

[۰] شرایط زمینه‌ای ورود

[۰] شرایط مداخله گر

[۹] عدم کارایی دینداری مرسوم

[۶] متولیان دین

[۲] ترساندن

[۲] عدم پاسخگویی به پرسش‌ها

[۱۰] عدم رعایت دیگران

[۸] فراوانی باید و نبایدها (اجبار)

[۴] ناهمخوانی عمل با گفتار

[۸] عبادت بدون معنویت

[۱] دافعه مجالس سنتی

[۰] نگاه مردم

[۲۰] زمینه شخصی

[۲] جاذبه کلاس‌ها

[۹] اعتماد به دوستان

[۰] تنش با محیط

[۷] سوء استفاده یا تحریف

[۲] تنش با اقتدار دینی و سیاسی

[۷] کنترل تنش

[۸] وجود آموزه‌های دینی

- [۱] درمان رایگان
[۶] منفعت اقتصادی
[۰] شرایط علی
[۲۵] حال بد پایدار
[۱] احساس بی معنایی
[۱۱] ناامیدی و امید
[۲] نپسندیدن هر راه ممکن
[۱] انگیزه دینداری آگاهانه
[۱] انگیزه درمان
[۰] انگیزه معنویت
[۳] انگیزه آرامش
[۰] فرایند جابجایی نسبی
[۲] اعتمادسازی
[۹] ایجاد روابط صمیمی
[۸] حس تغییر
[۰] بزرگنمایی
[۳] ادعای ویژگی‌های فوق طبیعی
[۴۰] احساس خاص بودن استاد و روش
[۰] الفای آموزه‌های نظری
[۸] تأکید بر توانمندی فردی
[۳۴] آموزه‌های جذاب و مفید
[۱۳] آموزه‌های زمینه ساز یا توجیه گر
[۶] تلقین
[۴۲] پذیرش استدلال ناکافی یا ادعای بی دلیل
[۹] مداومت
[۱۱] تمرینات عملی
[۱۶] گزارش دوستان
[۰] پیامدها

- [۰] تقویت اتکا بر احساسات و ایده‌های بی دلیل
- [۱۱] پیامدهای خودآگاه
- [۳] احساس ارزشمندی
- [۱۸] معنویت خاص
- [۱۸] آگاهی خاص
- [۱۶] احساس آرامش
- [۱۵] درمان نسبی
- Sets [0]

پیوست ۲. نمونه‌ای از گزارش مشاهدات

(۲۹ آذر ۱۳۹۴)

اولین کلاس عرفان حلقه که شرکت کردم خانم ن با من تماس گرفتند، و گفتند که آدرس مکان تشکیل کلاس عرفان حلقه را هنوز نمی‌دانند، ولی از من خواستند تا به خیابان ف بروم تا از آن جا به همراه ایشان به محل برگزاری کلاس برویم، شاید می‌خواستند که آدرس تا آخرین لحظه ممکن مخفی بماند.

کلاس در منزل یکی از اعضای قدیمی که مربی هم بودند (خانمش با حدود ۳۰ سال سن) از ساعت ۶ بعد از ظهر برگزار شد. یک آپارتمان حدوداً ۸۰ متری در یک محل متوسط و تقریباً حاشیه‌ای شهر. نزدیک به ۲۰ خانم و ۷ آقا در کلاس حضور داشتند که برخی روی مبل‌های پذیرایی و برخی دیگر روی زمین نشسته و همگی تقریباً راحت تکیه داده بودند. چند تا از خانم‌ها سن‌شان احتمالاً حدود ۶۰ سال بود، و دو یا سه تا از ایشان حدود ۴۰ سال داشتند، ولی اکثر ایشان بین ۲۵ تا ۳۵ ساله بودند. آقایان نیز به جز دو یا سه نفری که زیر ۳۰ سال بودند، اکثراً بین ۳۰ تا ۴۰ به نظر می‌رسیدند.

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۲۳۱

این جلسه سوم ترم اول از آغاز یک دوره جدید بود. خود مربی کلاس، آقای ها، حدوداً ۵۰ ساله هستند.

آقای مربی که خودشان گفتند، دیپلم طبیعی دارند و تا کنون در عمرشان چهار تا کتاب هم مطالعه نکردند، روی صندلی نشسته بودند، و مطالب ترم اول را که به صورت اسلایدهایی تهیه شده بود، بوسیله لپ‌تاپ روی صفحه تلویزیون نمایش می‌دادند. اسلایدهایی بود که مطالب آقای طاهری را که بعضاً در کتاب‌های ایشان نیز نوشته شده، به صورت خلاصه بیان می‌کرد. آقای ها (مربی کلاس عرفان حلقه) گفتند که از وقتی آموزش گرفتن در عرفان حلقه را در تهران شروع کردند، همیشه مراقب بودند که کسی ایشان را به جاده خاکی نکشانند و با تأمل در قرآن و تأمل در اشعار عرفانی، می‌فهمیدند که مطالب ارائه شده به ایشان درست است.

پیوست ۳. نمونه‌ای از متن‌های کدگذاری شده

Document: ۱۱، د. آ. مصاحبه

Weight: 0

Position: 5 - 9

Code: شرایط زمینه‌ای ورود شرایط مداخله گرازمینه شخصی

خانم: باز دقیق سال‌هاشو یادم نیست اما تو جای دومی که داشتم کار می‌کردم عرفان حلقه رو یکی از حامی‌های بچه‌ها چون بچه‌های اعصاب و روان حامی دارن، خیلی‌هاشون خانواده ندارن و ما اجازه داشتیم براشون حامی انتخاب کنیم یک خانمی که اونجا اومدن من رو با این عرفان حلقه آشنا کردن.

دکتر: شما خودتون دنبال یک چنین چیزی بودید؟

جواب: نه نه.

دکتر: هیچی فی البداهه آمدن گفتن یک همچین چیزی هست؟

خانم: آره گفتن همچین چیزی هست، علاقه داشتم به ریگی و پرواز روح اما چون می‌دونستم پایه علمی نداره دنبالش نرفتم و تو مشهد هم ممنوع بود موقعی که من

جستجو می‌کردم برای پرواز روح. بعد که این خانم توضیح دادن خب دیدم می‌تونم برم و امتحان می‌کنم ببینم چطوریه؟

Document: ۱۱، د. آ. مصاحبه

Weight: 0

Position: 164 - 167

Code: شرایط زمینه‌ای ورود شرایط مداخله گرامنفت اقتصادی

دکتر: فرض کنید هر دوره ۷۰ هزار تومان می‌گیرن اون خانمش ش چیکار می‌کنه
۷۰ هزار تومن را؟ یک مقدار خودش نگه می‌داره بقیه رو میده به آقای مربی؟
خانم: نه همش رو میده به آقای مربی.
دکتر: خب خودش که اون خونه رو داره و پذیرایی می‌کنه و اینها چی؟
خانم: پذیرایی‌ها که، یک مقدار از اون پول مال پذیرایی‌ها ولی بقیه کلاً مال آقای
مربی. اون خانم به خاطر این که میگه من دارم عرفان حلقه کار می‌کنم و کسانی که میان
اینجا انرژی مثبتشون می‌پیچه اینجا و برای خونه من مؤثره، علاقه داره خونه‌اش رو
پایگاه قرار بده.

Document: ۱۰، م. ج. مصاحبه

Weight: 0

Position: 122 - 128

Code: شرایط زمینه‌ای ورود شرایط مداخله گرا عدم کارایی دینداری مرسوم اعبادت بدون معنویت

م ج: من قبل از فرادرمانی تضاد شدید داشتم با همه چیز خدا تضاد داشتم. خوب
روزه می‌گرفتم، نمازمو می‌خوندم ولی به هیچ چی کار نداشتم.
دکتر: با این که تضاد داشتی عمل می‌کردی؟
م ج: چون بهم گفته بودن باید انجام بدهی.
دکتر: انگار وظیفه است و چون از تو می‌ترسم و آلا دوست ندارم.
م ج: آفرین. من چون ازت می‌ترسم انجام می‌دم. وگرنه انجام نمی‌دم فقط نماز
می‌خوندم خوب راحت شدم.

علل، انگیزه و پیامدهای ورود به عرفان حلقه ... ۲۳۳

دکتر: مثل یک پادشاه ظالم که به تو دستور داده و باید انجام بدهی ولی دیگه از زیر بار فرار کنی.

م ج: فقط انجام، فقط رفع تکلیف بشه. قبل از فرادمانی این تویی بود.

پیوست ۴. نمونه‌ای از یادداشت‌های تحلیلی

Title خاص بودن و جذابیت استاد و روش

Document مصاحبه ۶، نون

Paragraph 54

Author user

Creation date 2015/12/26

با این که خانم ن می‌گوید هیچ جذابیتی نیست، در همین کلام خود، خاص بودن و جذابیت‌هایی را در استاد و روش، در اولین کلاسش بیان کرد:

(۱) آرامش، (۲) دعوت به تحقیق، (۳) تأکید بر این که درصدد قانع کردن مخاطبان خویش نیست، اگر نمی‌خواهند، می‌توانند بروند، (۴) وعده فرادمانگر شدن بسیار زودرس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی